

سبک زندگی و سیره اخلاقی امام جواد علیه السلام

محمد رضا جباری^۱

چکیده

مباحث مربوط به سبک زندگی و سیره اخلاقی معصومان علیهم السلام امروزه اهمیتی دوچندان یافته است؛ زیرا انسان‌ها برای درست زندگی کردن در فضای آلوده این عصر، نیازمند الگوهای قابل اعتماد هستند تا اساس زندگی خود را بر پیروی از آنان بنا نهند و مسیر خود را با اطمینان خاطر برگزینند. سیره، به مفهوم اصولی است ثابت که در همه زمان‌ها و مکان‌ها قابلیت تبعیت دارد و برای استنباط آن اصول، باید به قواعدی ملتزم بود. ابعاد بحث درباره سیره، در تقسیمی منطقی، به سیره معنوی و عبادی، فردی و زیست محیطی، خانوادگی و اجتماعی قابل طرح است. درباره سیره اجتماعی نیز در چند محور فرهنگی، معاشرتی، مدیریتی و سیاسی می‌توان بحث کرد. درباره سیره امام جواد علیه السلام هر چند تاکنون آثاری ارزشمند تدوین شده، می‌توان به جرأت گفت هنوز اثری جامع و ناظر به محورهای یادشده، با تتبع کامل در متون روایی و تاریخی و منطبق با تعریف یادشده از سیره فراهم نگشته است. مقاله حاضر، مدعی انجام دادن کامل این رسالت نیست که تحقق آن مستلزم کاری فراتر از یک مقاله است، اما در این نوشتار، تلاش بر آن بوده تا چارچوب بحث، ارائه گردد و نمونه‌های متعددی عرضه شود.

واژگان کلیدی

سیره، سیره اخلاقی، سبک زندگی، امام جواد علیه السلام، سیره امام جواد علیه السلام، سیره

معصومان علیهم السلام

۱. دانشیار مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه - Jabbari38@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۱۲

مقدمه

انسان‌ها برای زندگی در مسیر درست و حرکت در جهت تعالی، نیازمند الگوهایی هستند که رفتارهای خود را بر آن‌ها انطباق دهند. به عبارت دیگر، صرف دانستن و آگاهی از درستی‌ها و نادرستی‌ها که از عقل و وحی به دست می‌آید، کافی نیست. اگر کسانی باشند که رفتار آن‌ها عین درستی و حقیقت باشد، این‌گونه افراد می‌توانند و بلکه لازم است که به عنوان الگوهای جاودانه بشریت مطرح شوند و رفتارشان سرمشق دیگر انسان‌ها قرار گیرد. چنین الگوهایی، کسانی نیستند جز معصومان علیهم‌السلام. توضیح آن‌که آنان نیز مانند دیگر انسان‌ها، زندگی طبیعی داشتند و تفاوتشان تنها در بعد عصمت و ارتباط با جهان بالاست. قرآن کریم به این حقیقت آشکارا تأکید می‌کند: (قل إنما أنا بشر مثلكم يوحى إلي أنما إليهم إله واحد فمن كان يرجو لقاء ربه فليعمل عملاً صالحاً ولا يشرك بعبادة ربه أحداً) (سوره كهف، آیه ۱۱۰) بنابراین، اگر معصومان علیهم‌السلام نیز مانند دیگر انسان‌ها می‌زیند و درگیر با مشکلات و مسائل گوناگون در حیات فردی، خانوادگی و اجتماعی هستند، اصول برگرفته از رفتار آنان در هر موضوعی، از آن‌جا که از منبع عصمت و پاکی سرچشمه گرفته است، برای همه انسان‌ها و تا ابد می‌تواند نقش الگودهی داشته باشد. اصول برگرفته از رفتار معصومان علیهم‌السلام در اصطلاح «سیره» نامیده می‌شود.

پژوهش حاضر در پی انجام دادن چنین مهمی است. این نوشتار، حاصل تتبع و بررسی روایات متعدد موجود در آثار روایی و تاریخی مربوط به امام جواد علیه‌السلام است که تلاش شده در نظم منطقی و چارچوبی دقیق - به گونه‌ای که ارباب دقت را مقبول افتد ارائه گردد و در صورت لزوم، تحلیل شود. روشن است که این نوشتار در پی تبیین سیره، یعنی رفتارهای اخلاقی آن حضرت است و بیان سخنان آن حضرت، هدف اصلی این مقاله نیست، هرچند برای تبیین هرچه بهتر سیره آن حضرت، از سخنان ایشان نیز غافل نبوده است.

رفتارهای انسان، منطقاً در ارتباط با خدا، خود، خانواده، اجتماع، طبیعت و حیوانات قابل تعریف است؛ لذا حیطه‌های بحث در سبک زندگی و سلوک اخلاقی معصومان علیهم‌السلام را می‌توان در پنج محور دنبال کرد:

۱. سلوک معنوی و عبادی

انسان در تعامل با خداوند، باید به سه عرصه توجه داشته باشد: نخست آن که خداوند را بشناسد آن سان که سزاوار است و به او ایمان آورد. البته این به مفهوم تلاش برای شناخت بیش تر و دقیق تر خداوند است و گرنه بشر گرفتار محدودیت، چگونه می تواند خدای نامحدود را آن چنان که سزاوار اوست بشناسد؟! دوم آن که تلاش کند در همه عرصه های زندگی، از یاد خداوند غافل نگردد و همه افکار، گفتار و رفتارش را بر خواست او منطبق سازد. سوم آن که در عرصه عبادت کوشا باشد و آن سان که سزاوار است، او خداوند را عبادت کند، گرچه، حق عبادت او برای انسان ها ممکن نیست و آنان باید نهایت تلاش خود را در این مسیر به کار گیرند.

۱-۱- خداآگاهی و خداگرایی

امام جواد علیه السلام به عنوان نماد دعوت به توحید و معرفت توحیدی، در مواضع گوناگون یادآور اخلاص و توجه به خدا و التجاء به ذات باری تعالی در مشکلات بودند. برای نمونه، می فرمایند:

کسی که خداوند سرپرست و کفیل اوست، چگونه به خودش وانهاد می شود؟ کسی که خداوند در طلب عقوبت اوست، چگونه نجات می یابد؟ کسی که صرفاً تکیه بر غیر خدا کند، خداوند او را به غیر خودش وامی گذارد و کسی که بدون علم، عمل می کند، افسادش بیش تر از اصلاح اوست و توجه قلبی به سوی خدا، انسان را زودتر به مقصد می رساند تا تحمل سختی به وسیله حرکت با اعضا و جوارح.^۱

در خطبه ای که آن حضرت برای عقد ام الفضل با خودش خواندند، اولین جمله، ناظر به اقرار به وحدانیت خدا و اخلاص در توحید بود.^۲ آن حضرت در روایتی، تکیه و اعتماد بر خدا را بهای هر متاع گران بها و نردبان برای نیل به مقاصد والا دانسته اند.^۳

۱. قال محمد بن علی بن موسی: «کیف یضیع من الله کافله وکیف ینجو من الله طالبه ومن انقطع إلى غیر الله وکله الله إليه و من عمل علی غیر علم أفسد أكثر مما یصلح وقال القصد إلى الله تعالی بالقلوب أبلغ من اتباع الجوارح بالأعمال»؛ (کشف الغمه، ج ۳، ص ۱۶۱).

۲. فقال أبو جعفر علیه السلام: «الحمد لله إقراراً بنعمته، ولا إله إلا الله إخلاصاً لوحدانیه، و صلی الله علی محمد سید بریتة والأصفیاء منعترته»؛ (ارشاد، ج ۲، ص ۴۸۲).

۳. و قال الإمام الجواد أبی جعفر محمد بن علی الرضا علیه السلام: الثقة (بالله) ثمن لكل غال وسلم إلى كل عال. (نزهة الناظر تنبيه الخاطر، ص ۶۳۱).

آن حضرت در توصیه به یکی از شیعیان، او را به این نکته توجه دادند که دائماً باید خود را در محضر الهی و در مرئی و منظر او ببیند.^۱ هم چنین می فرمایند:

کسی که بر خداوند توکل و اعتماد کند، خدا سرور و شادی را نشانش می دهد و امور او را کفایت می کند و وثوق و اعتماد بر خداوند، به منزله دژی است که جز مؤمن در آن پناه نمی گیرد.^۲

یکی از نمونه های شایان ذکر در مورد ویژگی خداآگاهی و خداگرایی در آن حضرت، نوع پاسخ به شکوه صحابی برجسته اش علی بن مهزیار اهوازی از فراوانی وقوع زلزله در اهواز است. آن حضرت در پاسخ نامه وی، راهکار معنوی دعای خالصانه را پیشنهاد می کنند:

نقل مکان نکنید بلکه سه روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را روزه بگیرید و روز جمعه غسل کنید و لباسی پاک بپوشید و بیرون بیایید و دعا کنید که بدان واسطه خداوند، بلا را از شما دفع می کند.

علی بن مهزیار گوید: «طبق دستور امام عمل کردیم و آرامش مستولی شد». (صدوق، ج ۲: ۵۵۶)

شاهد دیگر بر این مدعا، پاسخ حضرت به وکیلش در همدان بود که از اذیت های فردی به نام سمیع به ایشان شکایت کرد. آن حضرت فرمودند:

خداوند یاری اش را بر ضد کسی که به تو ظلم روا داشته، به زودی نصیب گرداند و شر او را از تو دفع کند و بر تو بشارت باد به یاری و اجر الهی و بسیار حمد خدا بگو! (کشی: ۶۱۱، ح ۱۱۳۵)

۱-۲- دوستی و دشمنی برای خدا

صفت حب و بغض فی الله، یکی از ویژگی های مهم مؤمنان از منظر قرآن و سنت است. این ویژگی در حقیقت، از روح توحید نشأت می گیرد؛ زیرا انسان موحد در همه زمینه ها، تنها بر اساس یک محور حرکت می کند و آن، خداست. توحید اقتضای آن دارد که دوستی انسان، متوجه کسان و چیزهایی باشد که خدایی هستند و در مسیر خلاف

۱. قال له رجل: أوصني؟ قال: و تقبل؟ قال: نعم. قال: توسد الصبروا عتق الفقر و ارفض الشهوات و خالف الهوى و اعلم أنك لن تخلص من عين الله فانظر كيف تكون. (تحف العقول، ص ۵۵۴).

۲. و عنه الجواد عليه السلام قال من وثق بالله أراه السرور و من توكل عليه كفاه الأمور و الثقة بالله حصن لا يتحصن فيه الا مؤمن و التوكل على الله نجاه من كل سوء و حرز من كل عدو.... (كشف الغمة فی معرفه الائمه، ج ۳، ص ۸۳۱).

مسیر خداوند قرار ندارند. قرآن می‌فرماید:

قومی را نیابی که به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشند [و] کسانی را که با خدا و رسولش مخالفت کرده‌اند - هر چند پدرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا عشیره آنان باشند - دوست ندارند. در دل این‌هاست که [خدا] ایمان را نوشته و آن‌ها را با روحی از جانب خود تأیید کرده است...^۱

در روایات نیز مضامین بلندی درباره مؤمنانی به چشم می‌خورد که دوستی و دشمنی‌شان صرفاً بر اساس معیارهای الهی است؛ برای مثال، پیامبر ﷺ دوستی در راه خدا را از بزرگ‌ترین شاخه‌های ایمان برشمرده و کسانی را از بندگان برگزیده معرفی فرموده که دوستی، دشمنی، بخشش و عدم بخشش آنان فقط به خاطر خداست.^۲ مسأله حب و بغض فی‌الله، در میان ویژگی‌های اخلاقی امام جواد علیه السلام یکی از بارزترین آن‌هاست. در روایتی از آن حضرت است که خداوند به یکی از پیامبران وحی فرمود:

اگر در دنیا زهد بورزی، موجب راحتی توست و اگر انقطاع به سوی من داشته باشی، نزد من عزیز می‌شوی. اما آیا در راه من با کسی دشمنی کرده‌ای و در راه من با کسی دوستی ورزیده‌ای؟^۳

و در روایتی دیگر فرمود:

مردم دارای شاکله‌های مختلفند و هرکسی بر اساس درون و شاکله‌اش عمل می‌کند و مردم با یک‌دیگر دوستی و برادری دارند، ولی کسی که برادری‌اش در غیر مسیر الهی باشد، به دشمنی تبدیل خواهد شد و این، مصداق این آیه است که: «بعضی از دوستان در روز قیامت نسبت به بعضی دیگر دشمنند مگر اهل تقوا».^۴

یکی از نمونه‌های بارز در تجلی ویژگی حب و بغض فی‌الله در آن حضرت، رازکریا ابن آدم

۱. لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ... (سوره مجادله، آیه ۲۲).

۲. عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ: ود المؤمن للمؤمن في الله من أعظم شعب الإيمان، ألا ومن أحب في الله وأبغض في الله وأعطى في الله ومنع في الله فهو من أصفياء الله. (کافی، ج ۲، ص ۵۲۱، ح ۳).

۳. و قال: أوحى الله إلى بعض الأنبياء: أما زهدك في الدنيا فتعجلك الراحة، و أما انقطاعك إلى فيعزرك بي. ولكن هل عادت لي عدوا وواليت لي وليا. (تحف العقول، ص ۶۵۴).

۴. و قال الجواد عليه السلام: ... و الخلق اشكال فكل يعمل على شاكلته و الناس اخوان فمن كانت إخوانه في غير ذات الله فإنها تحوز عداوة و ذلك قوله تعالى «الأخلاء يومئذ بعضهم لبعض عدو الا المتقين». (کشف الغمّة، ج ۳، ص ۱۴۱).

نقل می‌کند که از اصحاب و نمایندگان برجسته امام رضا (ع) و امام جواد (ع) بود. وی گوید: نزد امام رضا (ع) بودم که امام جواد (ع) را آوردند، در حالی که حدود چهار سال داشت. دیدم که دستانش را بر زمین نهاد و چشم به آسمان دوخت و مدت زیادی به فکر فرو رفت. امام رضا (ع) با دیدن این صحنه، پرسیدند: «فدایت شوم در چه فکری؟» امام جواد (ع) عرض کردند: «در آن چه با مادرم فاطمه (ع) کردند؛ به خدا قسم آن‌ها را (از قبر) بیرون آورده، به آتش می‌کشم و خاکسترشان را به باد می‌دهم و به دریا می‌ریزم!» در این هنگام، امام رضا (ع) فرزند گرامی‌اش را به سینه چسباندند و میان دو چشمش را بوسیدند و فرمودند: «پدر و مادرم به فدایت! تو سزاوار مقام امامتی». (طبری: ۴۰۱)

نکته اخیر در کلام امام رضا (ع) گویای آن است که حب و بغض فی‌الله، از لوازم و مشخصه‌های اصلی امام و رهبر است. در روایت دیگری آمده که امام جواد (ع) در منی، پس از رمی جمرات، از پنج سنگ باقی مانده در دستش، دو تا را به یک سو و سه تای دیگر را به سوی دیگر پرتاب کردند و فرمودند:

در ایام حج، دو فاسقی را که در حق فاطمه (ع) ظلم کردند، تروتازه از قبر بیرون می‌آورند و در این جا به صلیب کشیده می‌شوند و جز امام عدل، کسی آن‌ها را نمی‌بیند. دو سنگ اول را به یکی از آنان و سنگ دوم را به دیگری زدم؛ زیرا او از اولی خبیث‌تر بود. (صفار: ۳۰۷)

ویژگی بغض فی‌الله در امام جواد (ع)، گاه در قالب نفرین به دشمن ظاهر می‌شد. برای مثال، هنگامی که محمد بن سنان، مرگ محمد بن فرج (از دشمنان اهل بیت (ع)) را به اطلاع حضرت رساند، ایشان ۲۴ بار حمد خداوند گفتند. محمد بن سنان عرض کرد: «اگر می‌دانستم این قدر شاد می‌شوید، پابرنه می‌دویدم و خبر می‌آوردم». امام فرمودند: نمی‌دانی او به پدرم چه گفت؟! هنگامی که پدرم در یک مورد به او اعتراض کرد، در پاسخ گفت: "فکر می‌کنم مست باشی!" و پدرم چنین دعا کرد: "خدایا اگر می‌دانی که من روزه‌ام، طعم جنگ و ذلت اسارت را به او بچشان!" و به خدا قسم، چیزی نگذشت که تمام دارایی‌اش را گرفتند و اسیر شد و اکنون خبر مرگش آمد. خدایش نیامرزاد! و خداوند همواره اولیائش را بر دشمنانش پیروز می‌گرداند». (کلینی، ج ۱: ۴۹۷) این ویژگی، گاه در قالب لعن کسانی که نسبت دروغی به پیامبر (ص) می‌دادند، ظاهر می‌شد. برای

مثال، آن حضرت وقتی شنیدند که مخالفان، در تفسیر معنای امی، نسبت ناتوانی در خواندن و نوشتن، به پیامبر اکرم ﷺ می دهند فرمود:

دروغ گفتند، خداوند لعنتشان کند! چگونه چنین بوده؟ در حالی که خداوند در قرآن می فرماید: «او کسی است که در میان امی ها، رسولی را فرستاد که آیاتش را بر آنان تلاوت کند و پاکشان سازد و کتاب و حکمت تعلیمشان دهد». پیامبر ص با ۷۲ زبان می خواندند و می نوشتند. او امی خوانده شد؛ زیرا اهل مکه بود که ام القری است، به دلیل این آیه که فرمود: (لتنذر ام القری و من حولها). (صفا، ج ۱: ۱۲۵)

این ویژگی هم چنین گاه در قالب بیان حکم الهی و نفی احکام بدعت آمیز بروز می کرد. امام جواد علیه السلام در پاسخ کسی که فتوای برخی از منسوبان به بنی عباس در مورد عدم لزوم تکرار بسم الله برای سوره بعد از حمد را برای حضرت نوشت، مرقوم فرمودند: «به رغم انف (به کوری چشم) عباسی، بسم الله را تکرار کن!» (کلینی، ج ۳: ۳۱۳) این ویژگی گاه در قالب تطبیق برخی از آیات، بردشمنان بروز می کرد؛ برای مثال، آن حضرت آیات (وجوه یومئذ خاشعه عامله ناصبه) را بر ناصبی ها، و زیدی ها و واقفی های ناصبی تطبیق دادند.^۱

ویژگی حب و بغض فی الله در آن حضرت، گاه به شکل بی اعتنایی و برخورد قهرآمیز و طرد دشمنان آشکار می شد؛ مثلاً آن حضرت، سلام فردی واقفی را به سردی و در حداقل آن پاسخ دادند،^۲ و دستور اخراج فردی زیدی را از مجلسش صادر کردند^۳ نیز طی دستورالعملی به شیعیان، از پرداخت زکات و نیز اقتدا در نماز به پیروان عقیده تجسیم^۴ و

۱. عن ابن ابي عمير، عن حدثه قال: سألت محمد بن علي الرضا عليه السلام عن هذه الآية «وجوه يومئذ خاشعة عامله ناصبة» قال: نزلت في النصاب والزيدية والواقفة من النصاب. (رجال كشي، ج ۲، ص ۵۹۴).
 ۲. إن رجلاً خراسانياً «أتى أبا جعفر عليه السلام بالمدينة فسلم عليه، وقال: السلام عليك يا ابن رسول الله. وكان واقفياً»، فقال له: «سلام» وأعادها الرجل فقال «سلام» فسلم الرجل بالإمامة، قال: قلت في نفسي: كيف علم أُنِي غير مؤتم به وأُنِي واقف عنه؟! قال: ثم بكى وقال: جعلت فداك هذه كذا وكذا ديناراً «فاقبضها، فقال له أبو جعفر عليه السلام: «قد قبلتها، فضعها إليك». فقال: إني خلفت صاحبتي ومعها ما يكفيها ويفضل عنها. فقال: «ضعها إليك فإنك ستحتاج إليها» مراراً قال الرجل: ففعلت ورجعت، فإذا طرار قد أتى منزلي فدخله و لم يترك شيئاً إلا أخذه، فكانت تلك الدنانير هي التي تحملت بها إلى موضعي. (الثاقب في المناقب، ص ۹۱۵).

۳. عن الحسن بن أبي عثمان الهمداني، قال: دخل أناس من أصحابنا من أهل الدين على أبي جعفر عليه السلام، وفيما رجل من الزيدية، فسألناه مسألة، فقال أبو جعفر عليه السلام: خذ بيد هذا الرجل فأخرجه. فقال الزيدي: أشهد أن لا إله إلا الله، وأن محمداً رسول الله ﷺ، وأنك حجة الله بعد آبائك. (دلائل الإمامة، ص ۴۰۴).

۴. عن الطيب يعني علي بن محمد عليه السلام، و عن أبي جعفر الجواد عليه السلام أنهما قالاً: من قال بالجسم فلا تعطوه من الزكاة ولا تصلوا وراءه. (التوحيد، شيخ صدوق، ص ۱۰۱).

هم چنین پیروان مذهب واقفه نهی فرمودند.^۱

۱-۳- دنیاگریزی، آخرت‌گرایی و توبه و استغفار

دنیاگریزی به مفهوم ترک مطلق دنیا نیست؛ زیرا دنیا به خودی خود، بد و نکوهیده نیست، بلکه دل بستن و ترجیح آن بر آخرت، به گونه‌ای که سدّ مسیر حرکت انسان به سوی کمالات شود، نکوهش شده است. بدین لحاظ در روایات معصومان علیهم‌السلام از دو گونه دنیا سخن به میان آمده است: دنیای بلاغ و دنیای ملعون؛^۲ مراد از دنیای بلاغ، دنیایی است که وسیله رسیدن به کمالات اخروی و قرب الهی می‌شود؛ چنان‌که دنیای ملعون نیز همان دنیای فریب‌دهنده است که بسیاری در دام آن می‌افتند. نگاه امام جواد علیه‌السلام به دنیا، چنین نگاهی بود. نقل کرده‌اند که دزدان یک‌بار پارچه متعلق به امام جواد علیه‌السلام را در راه ربودند. هنگامی که خبر به حضرت رسید، در پاسخ چنین نوشتند: همانا جان‌ها و اموال ما از مواهب و امانات الهی نزد ماست که در حالت سرور و راحتی، از آن‌ها بهره برده می‌شود و در صورت فقدان، اجر و ثواب نصیب می‌گردد. پس کسی که به خاطر فقدان این‌ها، به جای صبر، جزع و بی‌صبری در پیش گیرد، اجرش زایل می‌شود. از چنین حالتی به خدا پناه می‌بریم!^۳

در نامه آن حضرت به یکی از شیعیان نیز در وصف دنیا و بهره‌مندی از آن چنین آمده: اما این دنیا، ما از آن بهره‌مند می‌شویم، ولی کسی که خواسته و دینش با خواسته و دین صاحب و مولایش منطبق باشد، در همه جا با اوست و جهان آخرت محل قرار و ثبات است.^۴

بر اساس همین نوع نگاه به دنیا و آخرت، زرق و برق دربار مأمون و معتصم در نظر حضرت، کوچک‌ترین ارزشی نداشت و زندگی ساده و زاهدانه در مدینه جدش پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را بر همه آن

۱. و کتب أبو عبد الله البرقی إلى أبي جعفر الثاني علیه‌السلام، «أيجوز - جعلت فداک الصلاة خلف من وقف علی ابیک وجدک علیهما السلام؟ فأجاب لا تصل وراءه». (من لا یحضره الفقیه، ج ۱ ص ۹۷۳).

۲. عن علی بن الحسین علیه‌السلام: ... الدنیا دنیاءان: دنیا بلاغ و دنیا ملعونة. (الکافی، ج ۲ ص ۱۳۱).
۳. وروی آنه حمل له الجواد علیه‌السلام حمل بزلّه قيمة كثيرة، فشل فی الطريق، فكتب إلیه الذی حملة يعرفه الخیر، فوق بخطه إن أنفسنا وأموالنا من مواهب الله الهنيئة و عواریه المستودعة یمتع بما متع منها فی سرور و غبطة و یاخذ ما أخذ منها فی أجر و حسبة، فمن غلب جزعها علی صبره حبط أجره و نعوذ بالله من ذلک. (تحف العقول، ص ۶۵۴).

۴. و کتب إلی بعض أولیائه: أما هذه الدنیا فإننا فیها مغترفون ولكن من کان هواه هوی صاحبه ودان بدینه فهو معه حیث کان. و الآخره هی دارالقرار. (تحف العقول، ص ۶۵۴).

مظاهر مادی ترجیح می‌دادند. شاهد این مدعا آن‌که فردی به نام حسین مکاری گوید:

وقتی وضع زندگی امام جواد علیه السلام را در بغداد دیدم، با خود گفتم: این مرد با این وضع زندگی و خوراک، دیگر به وطنش باز نمی‌گردد. به محض آن‌که چنین فکری در ذهنم خطور کرد، آن حضرت لختی سر به زیر افکندند و سپس در حالی که رنگ چهره‌شان تغییر کرده بود، سر برداشتند و فرمودند: «ای حسین! نان گندم و نمک نیم‌کوفته در حرم جذم پیامبر ﷺ، نزد من از آن چه می‌بینی محبوب‌تر است.» (راوندی، ج ۱: ۳۸۳)

چنان‌که گذشت، اصل در سیره و نگاه معصومان علیه السلام توجه به مقصد نهایی انسان است که قرب و وصول به خداوند بوده و تحقق کامل آن در جهان آخرت ممکن است. بدین لحاظ دنیا را نیز در همین جهت می‌خواستند و لحظه‌ای از یاد آخرت غافل نبودند. امام جواد علیه السلام شیعیان را به زیارت اهل قبور ترغیب و آداب زیارت را نیز آموزش می‌دادند.^۵ هم‌چنین با تفسیر حقیقت مرگ، آنان را هر چه بیش‌تر برای مواجهه درست با آن آماده می‌ساختند. (صدوق، ج ۱: ۲۹۸) ضمن این‌که تجدید ایمان به خدا و ولایت اهل بیت علیه السلام را برای آمادگی مرگ لازم می‌دانست. (صدوق: ۲۹۰)

از جمله مهم‌ترین امور برای آمادگی برای مواجهه با مرگ و جهان آخرت، وجود حال توبه و استغفار در انسان است. امام جواد علیه السلام پیروانش را از تأخیر در توبه و نیز تسویف (امروز و فردا کردن) نهی کرده، آن را نشانه فریب‌خوردگی می‌دانستند.^۶ و کثرت استغفار را در کنار خوش‌خلقی و زیاد دادن صدقه، موجب نیل به رضوان الهی می‌شمردند.^۷ لازمه وجود حالت توبه و استغفار در انسان، وجود روح بیدار و نصیحت‌پذیر در عین وجود توفیقات الهی است. امام جواد علیه السلام ضمن کلامی کوتاه و پرمغز، به این سه اصل با این تعابیر اشاره فرموده‌اند:

۵. عن محمد بن أحمد بن يحيى، قال: كنت بعيد فقال لي محمد بن علي بن بلال: قربنا إلى قبر محمد بن إسماعيل بن بزيع لنزوره. فلما اتينا جلس عند رأسه مستقبل القبلة والقبر أمامه، ثم قال: أخبرني صاحب هذا القبر، يعني محمد بن إسماعيل بن بزيع، أنه سمع أبا جعفر عليه السلام يقول: من زار قبر أخيه المؤمن فجلس عند قبره واستقبل القبلة ووضع يده على القبر وقرأ أنا أنزلناه في ليلة القدر سبع مرآت آمن من الفزع الأكبر. (رجال كشي، ج ۲ ص ۶۳۸).

۶. وقال الجواد عليه السلام: تأخير التوبة اغترار. و طول التسويف حيرة. والاعتلال على الله هلكة والاصرار على الذنب أمن لمكر الله «و لا يأمن مكر الله إلا القوم الخاسرون». (تحف العقول، ص ۷۵۴).

۷. وقال عليه السلام: ثلاث يبلغن بالعبد رضوان الله تعالى: كثرة الاستغفار، ولين الجانب، وكثرة الصدقة. وثلاث من كن فيه لم يندم: ترك العجلة، والمشورة، والتوكل على الله عند العزم. (الفصول المهمة، ج ۲، ص ۵۵۰).

مؤمن نیازمند به سه ویژگی است: توفیق از جانب خدا، واعظی از درون و پذیرش نصیحت ناصحان.^۱

۴-۱- گناه گریزی

این ویژگی اخلاقی، مانند اکسیری است که بدون آن هیچ حرکت اخلاقی نمی‌تواند ثمربخش باشد. به دیگر سخن، اگر کسی خود را به صفات گوناگون و نیک اخلاقی متصف سازد، اما مهار نفس در برابر گناه را در اختیار نداشته باشد، قطعاً راه به جایی نمی‌برد. این حقیقت، به خوبی از قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام قابل استفاده است. نکات جالبی در روایات امام جواد علیه‌السلام به چشم می‌خورد که از نگاه آن حضرت به گناه حکایت دارند. آن حضرت در پاسخ مردی که از ایشان طلب نصیحت کرد، چند نکته فرمودند از جمله: «شهووات را ترک و با هوای نفس مخالفت کن!».^۲ در جمله‌ای دیگر فرمودند: «کسی که از هوای نفسش اطاعت کند، آرزوی دشمنش را برآورده است» و «کسی که سوار بر اسب سرکش شهوات شود، لغزش‌هایش او قابل‌گذشت نیست».^۳ امام جواد علیه‌السلام اصرار به گناه را به مفهوم ایمنی از مکر خدا می‌دانستند و طبعاً چنین کسی بر اساس آیات قرآن، جزء زیان‌کاران است.^۴ هم‌چنین مرگ به واسطه آثار گناهان را بیش‌تر از مرگ به اجل طبیعی می‌دانستند، چنان‌که زندگی و طول عمر به واسطه نیکی را از زندگی به اجل طبیعی بیش‌تر می‌دانستند.^۵ در نگاه آن حضرت، غایت و نهایت زهد، همان ورع و ترک محرمات است و^۶ اثر تقوا را گشایش در تنگناها می‌دیدند و در این جهت می‌فرمودند:

۱. وقال الجواد علیه‌السلام: المؤمن يحتاج إلى توفيق من الله وواعظ من نفسه وقبول ممن ينصحه. (تحف العقول، ص ۸۵۴).

۲. قال له رجل: أوصني؟ قال: و تقبل؟ قال: نعم. قال: توسد الصبر واعتنق الفقر. و ارفض الشهوات. و خالف الهوى. و اعلم أنك لن تخلو من عين الله فانظر كيف تكون. (تحف العقول، ص ۵۵۴).

۳. قال الجواد علیه‌السلام: من أطاع هواه أعطى عدوه مناه و قال: راکب الشهوات لا تستقال له عثرة. (بحار الانوار، ج ۷۶)؛ قال الجواد علیه‌السلام: ثلاث من كن فيه لم يندم ترك العجلة والمشورة والتوكل عند العزم على الله عزوجل. (كشف الغمة، ج ۳، ص ۱۴۱).

۴. و قال الجواد علیه‌السلام: تأخير التوبة اغترار. و طول التسويف حيرة. و الاعتلال على الله هلكة و الاصرار على الذنب أمن لمكر الله «ولا يأمن مكر الله إلا القوم الخاسرون». (تحف العقول، ص ۷۵۴).

۵. و قال الجواد علیه‌السلام: موت الإنسان بالذنوب أكثر من موته بالأجل، وحياته بالبر أكثر من حياته بالعمر. (الفصول المهمة، ص ۷۵۰؛ كشف الغمة، ج ۳، ص ۲۴۱).

۶. و قال الجواد علیه‌السلام: ... و غاية الزهد الورع.... (كشف الغمة، ج ۳، ص ۸۳۱).

اگر تمام درهای آسمان‌ها را بر بنده‌ای بسته باشند اما تقوا بورزد، گشایشی برای او ایجاد خواهد شد.^۱

امام جواد علیه السلام گاه به برخی از مصادیق گناهان و آثار آن نیز اشاره فرموده‌اند؛ برای مثال، کفران نعمت را موجب غضب الهی دانسته و می‌فرمایند:

اگر کسی پاسخ نیکی را با شکر نعمت داد، بیش از آن چه گرفته است باز گردانده.^۲

و نیز:

خداوند بندگان را مشمول دوام نعمت می‌سازد تا زمانی که به تبدیل نعمت (کفران و کاربرد آن در مسیر نادرست) مبتلا شوند؛ در این صورت، آن نعمت را سلب کرده، به دیگران عطا می‌کند.^۳

امام جواد علیه السلام پرداختن به امور حلال و مجاز شرعی را موجب بی‌نیازی مردم از انجام دادن حرام می‌دیدند لذا ضمن خطبه‌ای که به مناسبت عقد ام‌الفضل ایراد فرمودند، به این نکته اشاره کردند.^۴ نمونه عملی این نگاه را در سخنان حضرت درباره تصرف غیرمجاز یکی از نمایندگان در وجوه شرعی می‌توان دید. هنگامی که صالح بن محمد بن سهل، وکیل امام در اوقاف قم، درباره تصرفش در ده هزار درهم از اموالی که در اختیارش بود، از حضرت حلالیت خواست، امام به جهت مصلحتی، به ظاهر فرمودند: «بر تو حلال باد!» اما پس از بیرون رفتن وی، فرمودند:

برخی از افراد در اموال آل محمد و یتیمان و مساکین و فقرا و در راه ماندگان تصرف می‌کنند و پس از آن حلالیت می‌خواهند! آیا تصور می‌کنید من می‌گویم حلال نمی‌کنم؟ سوگند به خداوند که در روز قیامت از اینان سؤال سختی خواهد شد! (کلینی: ۵۴۸)

۱. و عن الجواد علیه السلام أنه قال: لو كانت السماوات والأرض رتقا على عبد ثم أتقى الله تعالى لجعل منها مخرجا. (الفصول المهمة، ج ۲، ص ۲۵۰۱).
 ۲. وقال الجواد علیه السلام: كفر النعمة داعية المقت، و من جازاك بالشكر فقد أعطاك أكثر مما أخذ منك. (الفصول المهمة، ج ۲، ص ۶۵۰).
 ۳. وقال الجواد علیه السلام: إن لله عبداً يخضهم بدوام النعم فلا تزال فيهم ما بذلوا، فإذا منعوها نزعها عنهم وحولها إلى غيرهم. (الفصول المهمة، ج ۲، ص ۳۵۰).
 ۴. فقال أبو جعفر علیه السلام: «الحمد لله إقرارا بنعمته، ولا إله إلا الله إخلاصا لوحدانيته، و صلى الله على محمد سيد بريته والأصفياء من عترته. أما بعد: فقد كان من فضل الله على الأنام أن أغناهم بالحلال عن الحرام، فقال سبحانه: «وأنكحوا الأيامى منكم والصالحين من عبادكم وإمائكم إن يكونوا فقراء يغنهم الله من فضله والله واسع عليم»؛ (ارشاد، ج ۲، ص ۴۸۲).

امام جواد علیه السلام علاوه بر این که افراد را از گناه نهی می کردند و یا پس از انجام دادن گناه، آنان را توبیخ می نمودند، زمینه انجام دادن آن را نیز مرتفع می ساختند و این کار، گاه با خرق عادت انجام می گرفت. شاهد بر این مدعا، جریان ابوهاشم جعفری از خواص اصحاب امام جواد علیه السلام است. وی که عادت به خوردن گِل داشت، از امام خواست که برای خلاصی از این عادت غلط در حق وی دعا کنند. ایشان ابتدا سکوت کردند و پس از چند روز فرمودند: «خداوند این عادت را از تو برداشت». و کار به جایی رسید که چیزی مبعوض تر از آن عادت نزد ابوهاشم نبود. (مفید، ج ۲: ۲۹۴)

امام جواد علیه السلام خود نیز در مقام عمل نمونه کامل گناه گیزی بودند. یکی از نمونه های جالب در این مورد، هنگامی رخ داد که با توطئه و دستور مأمون، هنگام ورود حضرت به قصر، دویست کنیز زیبا در حالی که هر یک جامی در دست داشتند و در هر جام نیز گوهری نهاده شده بود، جام را به ایشان پیش کش می کردند! ولی امام بی اعتنا به همه آن ها بدون آن که کوچک ترین توجهی کنند به مسیرشان ادامه دادند. در موردی دیگر، هنگامی که نوازنده ریش درازی به نام مخارق، به دستور مأمون شروع به نواختن مقابل امام علیه السلام کرد، ایشان سر به زیر انداخته، کوچک ترین اعتنایی به او نکردند و چون رفتارهای بی ادبانه او ادامه یافت، ناگاه سربلند کرده، خطاب به او فرمودند: «از خدا بترس ای ریش دراز!» و ناگهان آلت موسیقی از دستش افتاد و دستانش شل و ناتوان شد، به گونه ای که تا آخر عمر، دیگر نتوانست از آن ها بهره برد. هنگامی که مأمون درباره آن لحظه از مخارق پرسید، پاسخ داد: «با خطاب ابوجعفر آن چنان دچار ترس و اضطراب شدم که هرگز از آن خلاصی نخواهم یافت». (کلینی، ج ۱: ۴۹۵) نمونه دیگر دوری آن حضرت از تماس بدنی با زن نامحرم است. هنگامی که زنی از ورم زانو نزد حضرت شکایت کرد، امام از روی لباس، دست بر محل ناراحتی گذاشته، دعایی خواندند و بلافاصله ناراحتی آن زن رفع شد. (طبری: ۴۰۳)

۱-۵- رضا، تسلیم، صبر و شکر

چند ویژگی اخلاقی بسیار مهم و مرتبط با یک دیگر در قرآن، روایات و سیره معصومان علیهم السلام یافت می شود که نقش فراوانی در خودسازی و تعالی روح آدمی دارند که عبارتند از: رضا و تسلیم و صبر و شکر. انسان ها همواره در بحبوحه فراز و نشیب های زندگی، نیاز دارند که در برابر خواست و تقدیر و مشیت الهی، خاضع و تسلیم باشند و

در برابر مشکلات، به سلاح صبر و استقامت مجهز شوند و نه تنها اعتراض و شکایت و جزع و فرعی بر خداوند نداشته، بلکه شاکر نیز باشند؛ زیرا تمامی آن چه برای بشر اعم از نیک و بد رخ می دهد، در نظام کلی هستی، به نفع اوست.

امام جواد علیه السلام مصداق بارز صبر و تسلیم در برابر سختی ها و شاکر نعمت های پروردگار بودند. این حقیقت، هم در سخن و هم در رفتار آن حضرت نمود داشت. در عرصه رفتار، کافی است دوره کوتاه زندگی آن حضرت را مرور کنیم و با انبوه سختی ها و ناملایمات مواجه شویم، اما هرگز از آن حضرت، سخن یا رفتاری حاکی از نارضایتی و یا شکوه از خداوند شنیده و دیده نشد. در سخنان آن حضرت نیز به روایات جالبی درباره ویژگی های یادشده برمی خوریم؛ از جمله این که نتیجه صبر را کم شدن شکوه از ناملایمات می دانستند^۱ و لذا در پاسخ به کسی که از اذیت های پدر ناصبی اش به حضرت شکایت کرد. در ضمن سفارش ها چنین نوشتند: «... و صبر پیشه ساز که عاقبت از آن اهل تقواست...». (امالی: ۱۹۱) آن حضرت صبر را زینت بلا و شکر را زینت توان گری می دانستند.^۲ توصیه همیشگی امام جواد علیه السلام در سختی ها و مصائب به صبر و پرهیز از شکوه بود و خود نیز در چنین مواقعی، این گونه عمل می کردند. در روایت مربوط به آمدن قیافه شناس ها برای تشخیص صحت رابطه نسبی آن حضرت با پدر گرامیشان آمده، پس از آن که حضرت با فصاحت تمام به معرفی خویش و رابطه اش با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان پیشین پرداختند، دست بر دهان نهادند و فرمودند:

ای محمد! سکوت کن آن سان که پدران سکوت کردند و صبر پیشه ساز آن سان که پیامبران اولوالعزم صبر پیشه ساختند...! (طبری: ۳۸۵)

صداقت، یک رنگی و بی ریایی، از جمله ویژگی های اخلاقی است که هم در سیره معنوی و نوع ارتباط با خداوند قابل ذکر است و هم در سیره اجتماعی. امام جواد علیه السلام در این باره فرمودند:

چنین نباشد که به صورت آشکار دوست خدا و در پنهانی، دشمن او باشی!^۳

۱. و قال الجواد علیه السلام حسب المرء... ومن صبر قلة شکوه... (کشف الغمه، ج ۳، ص ۴۱).
 ۲. و عن الجواد علیه السلام أنه قال: لو كانت السماوات والأرض رتقاً على عبد ثم أنقى الله تعالى لجعل منها مخرجاً. (الفصول المهمة، ص ۲۵۰).
 ۳. و قال الجواد علیه السلام: لا تكن ولياً لله في العلانية، عدواً له في السر. (بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۵۶۳).

نیز در ضمن سخنان آن حضرت که به نهی از نفاق ناظر است، آمده: «روزگار، اسرار پنهان شده را آشکار خواهد کرد.»^۱

۱-۶- اهتمام به عبادت

چنان که گذشت، در رابطه انسان ها با خداوند، پس از بعد معرفت و بینش و یاد او، مهم ترین مسأله عبادت به معنای خاص آن است. امامان معصوم علیهم السلام آینه تمام نمای عبودیت بودند. امام جواد علیه السلام در سفر به بغداد که در سال ۲۱۵ قمری رخ داد، هنگام بازگشت به مدینه که ام الفضل نیز ایشان را همراهی می کرد، به محض آن که مغرب شد، در حالی که مردم ایشان را مشایعت می کردند، به مسجدی رفته، کوزه ای آب طلبیدند و در پای یک اصله درخت سدر بی ثمر که در صحن مسجد بود، وضو ساختند و نماز اول وقت را به جماعت و با رعایت آدابش همچون نوافل و سجده شکر اقامه کردند. نماز امام آن چنان مردم را مجذوب ساخت که راوی این جریان به طور دقیق جزئیات آن را گزارش کرده است. مثلاً این که امام در رکعت اول پس از قرائت حمد، سوره نصر و در رکعت دوم، سوره توحید را خواندند و در رکعت دوم قبل از رکوع، قنوت گرفتند و پس از اتمام نماز، مختصری به ذکر مشغول شدند و بدون آن که تعقیبات بخوانند به اقامه نوافل پرداختند. (مفید، ج ۲: ۲۸۹) ممکن است نپرداختن امام به تعقیبات را به علت مسافر بودن بدانیم. امروزه برای ما که با تعالیم اهل بیت در زمینه های مختلف از جمله نماز آشنا هستیم، شاید گزارش جزئیات نماز حضرت چندان تازگی نداشته باشد، اما در آن عصر که مسلمانان با بروز بدعت های فراوان از جمله در نماز مواجه بودند، روشن است که نماز حضرت چه ارزش و اهمیتی در مسیر تبیین حقایق و معارف دینی و بدعت زدایی داشته است. در پایان این گزارش، آمده که پس از وضوی امام درخت یادشده بلافاصله ثمر داد آن هم میوه ای بدون هسته.

چنان که گفتیم، امامان معصوم علیهم السلام همواره منبع و معیاری مطمئن در شناخت معارف دین و تشخیص بدعت از سنت بوده اند و مسلمانان و به ویژه شیعیان، مجهولات و ابهامات خود را از طریق آنان رفع می کردند. یکی از شیعیان از امام جواد علیه السلام درباره درستی نیتش درباره طواف نیابتی پرسید و امام او را تصدیق فرمود. وی به حضرت عرض کرد:

۱. و قال الجواد علیه السلام: الأيام تهتك لك الامر عن الاسرار الكامنة. (همان).

قصد داشتیم به نیابت از شما و پدرتان طواف کنم به من گفتند: از طرف اوصیا نمی‌توان نیابت کرد. از شما در این باره پرسیدم فرمودید: «تا می‌توانی این کار را بکن».

او پس از سه سال که این کار را کرد، دوباره به محضر امام جواد (ع) رسیده، عرض کرد: من یک روز از طرف پیامبر ص طواف به جای آوردم. (در این لحظه امام جواد (ع) به محض شنیدن نام پیامبر (ص) سه بار با اجلال و تعظیم فرمودند: درود خدا بر پیامبر (ص) که از احترام فوق‌العاده آن حضرت به جدش حکایت دارد) و در روز دوم از طرف امیرمؤمنان (ع) و در روز طرف از سوی امام حسن (ع) و در روز چهارم از طرف امام حسین (ع) ... و به همین ترتیب تا به امام جواد (ع) رسید. سپس اظهار کرد: «اینان امامانی هستند که به ولایت آنان متدین هستم». امام در تأیید او فرمودند «در چنین حالتی تو متدین به همان دینی هستی که خداوند غیر آن را از بندگانش نخواهد پذیرفت». پرسید: «گاهی از طرف حضرت فاطمه (ع) طواف نیابتی انجام می‌دهم و گاه خیر». امام فرمودند: «این کار را زیاد انجام بده که برترین کارهاست!»

نکات جالبی در این روایت شایان توجه است؛ از جمله این‌که شیعیان راستین حتی جزئیات رفتارهای عبادی خود را نیز به معصومان (ع) عرضه می‌کردند تا از درستی آن اطمینان یابند و این نکته با عنایت به فضای بدعت‌آلود عصر آنان و خوف شیعیان از درغلتیدن به دام این بدعت‌ها بیش‌تر قابل‌درک خواهد شد. از سوی دیگر، امام معصوم با تأیید درستی رفتار عبادی این شیعه، وی را بر درستی مسیر دینی‌اش مطمئن و امیدوار کردند و افزون بر این، وی را تشویق فرمودند و به انجام دادن بیش‌تر این رفتار عبادی (طواف نیابتی از طرف معصومان (ع)) توصیه کردند.

۱. عن موسی بن القاسم قال: قلت لأبي جعفر الثاني (ع): قد أردت أن أطوف عنك وعن أبيك فقيل لي: إن الأوصياء لا يطاف عنهم، فقال لي بل طف ما أمكنك فإنه جائز. ثم قلت له بعد ذلك بثلاث سنين: إني كنت استأذنتك في الطواف عنك وعن أبيك فأذنت لي في ذلك فطفعت عنكما ما شاء الله ثم وقع في قلبي شيء فعملت به قال: وما هو؟ قلت: طفت يوماً عن رسول الله (ص) فقال: ثلاث مرأت الله على رسول الله، ثم اليوم الثاني عن أمير المؤمنين ثم طفت اليوم الثالث عن الحسن (ع) والرابع عن الحسين (ع) والخامس عن علي (ع) ابن الحسين (ع) والسادس عن أبي جعفر محمد بن علي (ع) واليوم السابع عن جعفر بن محمد (ع) واليوم الثامن عن أبيك موسى (ع) واليوم التاسع عن أبيك علي (ع) واليوم العاشر عنك يا سیدی وهؤلاء الذين أدين الله بولایتهم فقال: إذن والله تدین بالدين الذي لا يقبل من العباد غيره، قلت: وربما طفت عن أمك فاطمة (ع) وربما لم أطف، فقال: استكثر من هذا فإنه أفضل، ما أنت عامله إن شاء الله. (كافي، ج ۴، ص ۴۱۳).

معنویت‌گرایی و روح توحیدی حضرت چنان بود که پس از دریافت وجوه شرعی از شیعیان، در حق آنان دعا فرموده، از خداوند طلب قبول می‌کردند.^۱

۲. سیره فردی

مباحثی هم‌چون: تغذیه، استراحت، بهداشت، زینت، لباس و معیشت و آداب سفر در بُعد فردی قابل بحث است. اما متأسفانه روایات زیادی در این باره وجود ندارد.

۲-۱- خواب و استراحت

از مهم‌ترین نکات در سیره معصومان علیهم‌السلام در این زمینه، می‌توان به مسأله سحرخیزی اشاره کرد. این مهم در سفارش پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به امیرمؤمنان علیه‌السلام دیده می‌شود که امام جواد علیه‌السلام آن را یادآور شده‌اند. (ابن خلکان، ج ۴: ۱۷۵)

۲-۲- بهداشت

این اصل مهم، در سیره اهل بیت علیهم‌السلام از جمله امام جواد علیه‌السلام به چشم می‌خورد که برای تأمین سلامت جسمی، از اقدامات پیش‌گیرانه بهداشتی و طبی هم‌چون فصد کردن بهره می‌بردند. در روایتی آمده که امام جواد علیه‌السلام ضمن عمل فصد، خود، رگ مناسب برای این کار را به طبیب معرفی فرمودند در حالی که وی و دیگر اطبا از وجود آن رگ و خاصیتش بی‌اطلاع بودند! (ابن شهر آشوب، ج ۳: ۴۹۵)

جلوه دیگر بهداشت در زندگی امام جواد علیه‌السلام، شست‌شوی دست‌ها پس از صرف غذا بود تا چربی و بقایای غذا در دست‌ها نماند و پس از شستن دست‌ها، آن‌ها را به سر و صورت می‌مالیدند و زیر لب این دعا را زمزمه می‌کردند: «خدايا مرا از کسانی قرار ده که دچار تنگنا و ذلت نمی‌شوند!» و نیز می‌فرمود:

هنگامی که پس از غذا دستت را شستی، قبل از خشک کردن با دستمال، آن را به صورت و چشمانت بمال و بگو: خدایا از تو زینت و محبت می‌خواهم و از نفرت و بغض به تو پناه می‌برم.^۲

۱. عن إبراهيم بن محمد الهمداني، قال وكتب إلى: قد و صل الحساب تقبل الله منك و رضی عنهم و جعلهم معنا في الدنيا و الآخرة و قد بعثت إليك من الذنابير بكذا و من الكسوة كذا، فبارك لك فيه و في جميع نعمة الله عليك (رجال كشي، ج ۲، ص ۹۶۸).

۲. روی عمین شهد آبا جعفر الثانی علیه‌السلام یوم قدم المدينة تغدی معه جماعة فلما غسل یدیه من الغمر مسح بهما راسه و وجهه قبل أن یمسحهما بالمندیل و قال: «اللهم اجعلنی ممن لا یرحق وجهه قتر ولا ذلة

۲-۳- آراستگی و زینت

آراستگی و تزئین در سیره امام جواد علیه السلام جلوه‌های مختلفی داشت. یکی از این جلوه‌ها، بهره‌گیری از مواد زینتی و بهداشتی هم‌چون حنا بود. طبق روایتی، امام جواد علیه السلام هنگام استحمام در تمامی بدن مبارکشان از حنا استفاده می‌کردند به گونه‌ای که پس از استحمام، اثر حنا بر تمامی بدن حضرت دیده می‌شد. (کلینی، ج ۶: ۵۰۹) استفاده از بوی خوش و عطر نیز جلوه دیگری از سیره فردی آن حضرت بود که البته بعد اجتماعی نیز دارد. آن حضرت استفاده از مشک را حتی اگر به بهای زیاد تهیه شود، تجویز و توصیه می‌کردند و به سیره پدر بزرگوارش استناد می‌فرمودند. (همان: ۵۱۷) انگشتر به دست کردن نیز جلوه دیگری از تزئین در سیره امام جواد علیه السلام بود. بنا به نقل موفق خادم امام جواد علیه السلام آن حضرت انگشتری نقره‌ای در دست داشتند که روی آن نوشته بود: «حسبی الله». و فرمود:

این انگشتری پدرم است که هنگام وفات به من دادند و فرمودند: «از دست خارج نکن تا آن را به فرزندت بسپاری». (طبرسی: ۹۲)

۲-۴- آداب سفر

سفر کردن و آداب مربوط به آن، از دیگر محورهای سیره فردی است. از جمله نکات قابل استنباط از سیره امام جواد علیه السلام در مورد سفر، می‌توان به توصیه حضرت به سفر در شب اشاره کرد؛ زیرا موجب کوتاهی سفر می‌شود. (همان) هم‌چنین، پیش‌بینی لوازم سفر و مشکلات و آسیب‌های احتمالی، از دیگر ابعاد سیره امام جواد علیه السلام در مقوله سفر است. برای نمونه، ایشان هنگامی که قصد سفر به تکریت برای دیدار با مأمون را داشتند، در حالی که هوا آفتابی بود و احتمال باران و گل‌ولای نیز نمی‌رفت، به بعضی از غلامانش فرمودند که دم اسب حضرت را ببندند، زیرا رسم بود که هنگام بارش باران و یا عبور از آب، دُم حیوان را می‌بستند تا حرکات آن موجب ترشح گل‌ولای به راکب نشود. آن حضرت که به علم الهی، از وضعیت مسیر آگاهی داشتند، با وجود شگفتی و یا استهزا برخی از حاضران مانند عمر بن فرج، به این کار اقدام کردند. همین که یک یا دو میل از

«قال: و فی حدیث آخر یروی عن النبی ﷺ قال: قال: إذا اغتسلت یدک بعد الطعام فامسح وجهک و عینیک قبل أن تمسح بالمندیل و تقول: اللهم انی أسألك الزینة، والمحبّة وأعوذ بک من المقت والبغضة. (المحاسن، ج ۲ ص ۷۲۴).

مسیر را طی نمودند، به نه‌ری رسیدند که آب از آن بیرون زده بود و در حالی که امام علیه السلام ادامه مسیر دادند، دیگران مشغول بستن دُم مرکب‌هایشان شدند! (طوسی: ۵۱۸)

از دیگر محورهای سیره فردی امام جواد علیه السلام، اتقان در کارها،^۱ ترک عجله و شتاب،^۲ انجام دادن کار در وقت مناسب و پرهیز از انجام دادن آن قبل از فراهم شدن شرایط،^۳ و پرهیز از خوش‌بینی افراطی و اطمینان کاذب به سرانجام کار است.^۴

۱. سیره زیست‌محیطی

چگونگی ارتباط با طبیعت و حیوانات، بعد دیگری در سیره فردی امام جواد علیه السلام است. آبادانی طبیعت و تلاش برای احیا و حفظ محیط‌زیست، جلوه جالبی در حیات معصومان علیهم السلام است که به ویژه امروزه، بشر نیاز فراوان به آن دارد. در روایت پیش‌گفته که مربوط به بازگشت حضرت از سفر بغداد بود، چنین آمده که امام هنگام مغرب، وارد مسجدی شدند و کوزه‌ای آب طلبیدند و پای درختِ سِدْری که در صحن مسجد بود، وضو گرفتند و پس از اتمام وضو، آن درخت بی‌ثمر شروع به میوه دادن کرد؛ آن‌هم میوه‌ای گوارا و بی‌هسته. (مفید، ج ۲: ۲۸۹) این جریان هر چند از یک خرق عادت در زندگی امام جواد علیه السلام حکایت دارد، پیام دیگرش، نقش حضرت در آبادانی طبیعت است، امام از طرق عادی و غیرعادی و دیگران از طرق عادی و طبیعی. اما مهم، اهتمام معصومان به حفظ طبیعت است.

در مورد حیوانات نیز به روایت محمد بن ولید کرمانی می‌توان اشاره کرد که از توجه به تغذیه حیوانات حکایت دارد. وی به دیدار امام جواد علیه السلام رفت و به دستور حضرت از او پذیرایی شد. پس از صرف غذا، غلام امام خواست تمام آن‌چه را در سفره مانده بود جمع کند اما حضرت فرمودند:

۱. و قال: إظهار الشيء قبل أن يستحكم مفسدة له. (تحف العقول، ص ۷۵۴).

۲. ثلاث من كن فيه لم يندم ترك العجلة والمشورة والتوكل عند العزم على الله عز وجل. (كشف الغمة، ج ۳، ص ۱۴۱).

۳. و قال الجواد علیه السلام لا تعالجوا الامر قبل بلوغه فتندموا ولا يطولن عليكم الأمد فتقسوا قلوبكم و ارحموا ضعفاءكم و اطلبوا الرحمة من الله بالرحمة لهم. (همان، ص ۲۴۱).

۴. و قال الجواد علیه السلام: من انقاد إلى الطمأنينة قبل الخبرة، فقد عرض نفسه للهلكة و العاقبة المتعبة. (بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۱۴۳).

دست نگهدار! در صحرا بقایای سفره را رها کن حتی اگر یک ران گوسفند باشد و در غیر صحرا جمع کن. (راوندی، ج ۱: ۳۸۹)

۲. سیره خانوادگی

یکی دیگر از محورهای مهم در سیره معصومان علیه السلام، اصولی است که در رفتار آنان با خانواده و خویشان دیده می‌شد. در ارتباط با خویشان، مسأله صلہ رحم از ویژگی‌های مهم امام جواد علیه السلام بود. ابوهاشم جعفری گوید:

امام جواد علیه السلام سیصد دینار به من داد تا به یکی از پسرعموهایش برسانم و فرمود: «از تو خواهد خواست تا به او یک مشتری معرفی کنی تا با این پول تجارت کند و تو این کار را بکن». (کلینی، ج ۱: ۴۹۵)

رعایت حقوق والدین، از دیگر ابعاد مهم در سیره خانوادگی امام جواد علیه السلام است. این حقوق به زمان حیات والدین مختص نیست و بعد از وفاتشان نیز ادامه دارد. نمونه شایان ذکر در این باره آن‌که امام جواد علیه السلام بعد از شهادت پدر بزرگوارش، فردی را که مبلغ چهارهزار درهم از امام رضا علیه السلام طلب داشت و نگران وصول آن بود، فراخواندند و طلب او را پرداخت کردند.^۱ اقامه عزای پس از شهادت پدر، جلوه‌ای دیگر از رعایت حقوق پدر توسط آن حضرت بود.^۲

در کنار والدین و خویشان، همسر و فرزندان، از مهم‌ترین ارکان خانواده هستند. امام جواد علیه السلام به معیارهای درست در گزینش همسر، به توصیه بسیار مهم پیامبر ﷺ توجه داشتند که می‌فرمایند:

اگر برای ازدواج، کسی نزد شما آمد که از اخلاق و دین و امانت‌داری اش راضی

۱. عن المطرفی قال: مضی أبو الحسن الرضا علیه السلام ولی علیه أربعة آلاف درهم، فقلت فی نفسی: ذهب مالی، فأرسل إلی أبو جعفر علیه السلام إذا کان غدا فأتنی ولیکن معک میزان وأوزان، فدخلت علی أبی جعفر علیه السلام فقال لی: مضی أبو الحسن و لك علیه أربعة آلاف درهم؟ فقلت: نعم فرقع المصلی الذی كان تحته فإذا تحته دنائیر فدفعها إلی. (کافی، ج ۱، ص ۷۹۴)؛ گفتنی است اصل قرض گرفتن به وقت نیاز در سیره معصومان علیه السلام وجود داشته، اما آنان معمولاً رهنی و گرو نزد طلب کار می‌گذاشتند و نیز در عمل به آیه شریف ۲۸۲ از سوره بقره، آن را مکتوب می‌کردند تا حق قرض دهنده تضییع نگردد.

۲. قال أمیة بن علی: كنت بالمدينة، وكنت أختلف إلی أبی جعفر علیه السلام، وأبوه بخراسان فدعا جاریته یوما فقال لها: قولي لهم یتهیئون للمأتم. (دلائل الامامة، ص ۱۰۴).

هستید، با او ازدواج کنید و گرنه فتنه و فساد بزرگی پدید خواهد آمد!^۱

نکته دیگر در سیره همسر داری حضرت، تأکید بر اندک بودن مهریه و مطابقت آن با مهرالسنه بود. ایشان از پیامبر ﷺ در میزان مهریه، تبعیت می کردند که مقدار آن پانصد درهم^۲ و در جهت توصیه های پیامبر ﷺ مبنی بر اندک بودن میزان مهریه بود.^۳

نکته دیگر، توجه به بُعد معنوی در نوع مهریه است. بنابر روایتی، امام جواد علیه السلام هنگام تزویج ام الفضل، مناجاتی را که از پدران گرامیشان رسیده بود، معین فرمودند که در نوع خود، جالب و بی نظیر است و حکایت از آن دارد که در زندگی زناشویی، بُعد مادی مهریه و مقدار آن، نقش کلیدی ندارد.^۴ البته بعید نیست که در مهریه ام الفضل، این مناجات را علاوه بر مهرالسنه، مقرر فرموده باشند.

فرزندان رکن دیگر خانواده هستند و آنان نیز حقوقی بر دوش والدین دارند. انتخاب نام نیک برای فرزندان یکی از مهم ترین حقوق بر والدین است.^۵ امام جواد علیه السلام هم برای فرزندان خود نام های نیک انتخاب کرده بودند و هم به شیعیان چنین توصیه می فرمودند. یکی از شیعیان، به حضور ایشان رسید و در ذهن داشت که از حضرت

۱. عن ابراهیم بن محمد الهمدانی قال: کتبت إلى ابي جعفر علیه السلام فی التزویج، فأتانی کتابه بخطه قال رسول الله ﷺ: إذا جاءکم من ترضون خلقه ودينه فزوجوه (إلا تفعلوه تکن فتنه فی الأرض وفساد کبیر). (کافی، ج ۵، ص ۷۴۳)؛ عن الحسين ابن بشار الواسطی قال: کتبت إلى ابي جعفر الثاني علیه السلام أسأله عن النکاح فکتب: من خطب إليکم فرضیتم دینه وأمانته فزوجوه، إلا تفعلوه تکن فتنه فی الأرض وفساد کبیر. (تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۶۹۳).

۲. ثم إن محمد بن علی بن موسی یخطب أم الفضل بنت عبدالله المأمون، وقد بذل لها من الصداق مهر جدته فاطمة علیها السلام بنت محمد ﷺ و هو خمسمائة درهم جیاداً... (ارشاد، ج ۲، ص ۴۸۲).

۳. قال رسول الله ﷺ: [خير نساء امتی أصبحهن وجوها و أقلهن مهورا]. (ابن عدی، الکامل، ص ۴۶۳).

۴. عن ابراهیم بن محمد بن الحارث النوفلی قال حدثنا ابي وکان خادماً لمحمد بن علی الجواد علیه السلام لما زوج المأمون أبا جعفر محمد بن علی بن موسی الرضا علیه السلام ابنته کتب إليه أن لكل زوجة صداقاً من مال زوجها وقد جعل الله أموالنا فی الآخرة مؤجلة مذخورة هناك كما جعل أموالکم معجلة فی الدنيا و کثر هاهنا و قد أمهرت ابنتک الوسائل إلى المسائل و هی مناجاة دفعها إلى ابي قال دفعها إلى ابي موسی قال دفعها إلى ابي جعفر قال دفعها إلى محمد ابي قال دفعها إلى علی بن الحسين ابي قال دفعها إلى الحسين ابي قال دفع إلى الحسن اخی قال دفع إلى أمير المؤمنين علی بن ابي طالب علیه السلام قال دفعها إلى رسول الله ﷺ قال دفعها إلى جبرئیل علیه السلام قال یا محمد رب العزة یقرنک السلام و یقول لک هذه مفاتيح کنوز الدنيا و الآخرة فاجعلها وسائلک إلى مسائلک تصل إلى بغیتک و تنجح فی طلبتک فلا تؤثرها فی حوائج الدنيا فتنجس بها الحظ من آخرتک و هی عشرون وسائل تطرق بها أبواب الرغبات فتفتح و تطلب بها الحاجات فتنجح و هذه نسختها. (مهج الدعوات و منهج العبادات، ص ۹۵۲).

۵. و قَالَ إِنَّ لِلْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ حَقًّا - وَإِنَّ لِلْوَالِدِ عَلَى الْوَلَدِ حَقًّا - فَحَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَلَدِ - أَنْ يَطِيعَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ - وَحَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ - أَنْ يَحْسِنَ اسْمَهُ وَيَحْسِنَ أَدَبَهُ وَيُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ. (نهج البلاغة، تحقیق صبحی صالح، ص ۶۴۵، حکمت ۹۹۳).

بخواهد برای پسر شدن فرزندی که همسرش به آن حامله بود، دعا کند. ناگاه خود امام لب به سخن گشودند و فرمودند: «نامش را احمد بگذار!» (طبری: ۴۰۱)

۳. سیره اجتماعی

سیره اجتماعی، عنوانی کلی و مشتمل بر چند محور جزئی، یعنی سیره فرهنگی، معاشرتی، مدیریتی و سیاسی. از آن جا که سیره فرهنگی را می توان مهم ترین دانست، ابتدا به این بعد از ابعاد سیره اجتماعی می پردازیم.

۱-۵- سیره اجتماعی - فرهنگی

در سیره فرهنگی، به بررسی رفتار معصوم در ارتقای سطح علمی و اخلاقی جامعه پرداخته می شود. تأکید بر سخن گفتن از روی علم، از مهم ترین اصول در سیره علمی - فرهنگی آن حضرت است. امام جواد علیه السلام در این باره می فرمایند:

اگر فرد جاهل سکوت کند حتی دو نفر نیز دچار اختلاف نمی شوند؛^۱

کنایه از آن که تمام مصائب در عرصه علمی - فرهنگی را افراد جاهلی پدید می آورند که به دروغ، داعیه رهبری جامعه را دارند و به جای هدایت، ضلالت به ارمغان می آورند. تبیین معارف و حقایق مکتب، از مهم ترین ابعاد در سیره فرهنگی است. بر اساس روایات متعدد، امام ضمن پاسخ به پرسش های مکتوب و شفاهی شیعیان و غیرشیعیان، معارف ناب اسلام را روشن می ساختند. این تبیین ها در مورد محورهای ذیل بوده است:

- تبیین مفاهیم مهم اعتقادی هم چون توحید و نفی تجسیم و نفی رؤیت خداوند؛

- معرفی اوصاف انبیاء؛

- معرفی مقام و شئون امام و امامت؛

- بیان نکات تفسیری و تاریخی؛

- پاسخ به پرسش های فقهی؛

- تأکید بر کفالت ایتام آل محمد از طریق رفع مشکلات علمی و معرفتی آنان.

(عطار دی: ۹۰، ۹۲، ۱۸۵، ۹۳، ۶۲، ۹۷، ۹۸، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۳۶، ۴۴، ۴۰، ۱۰۸، ۱۳۰،

۱۵۱، ۱۷۹، ۲۱۸)

۱. و قال الجواد علیه السلام: لو سکت الجاهل ما اختلف الناس. (الفصول المهمة، ج ۲، ص ۵۵۰).

از نمونه‌ها و شواهد جالب توجه در زمینه معرفی امام علیه السلام و پاسخ به پرسش‌ها، حکایتی است مربوط به روزهای آغازین امامت آن حضرت. با عنایت به این که امام جواد علیه السلام هنگام شهادت پدر بزرگوارش در سن طفولیت به سر می بردند، برخی از شیعیان در امامت آن حضرت دچار تردید شدند؛ از این رو، جمعی از آنان به مدینه آمده، در پی تحقیق در این موضوع برآمدند. آنان در خانه امام صادق علیه السلام (به علت وسعت و خالی بودن) گرد آمدند و پس از لحظاتی عبدالله بن موسی داخل شد و در صدر مجلس نشست و کسی ندا داد: «این، فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله است. هر کس سؤالی دارد بپرسد!» اما هنگامی که سؤالاتی از او پرسیدند و پاسخ‌های بی ربطی داد، مردم و فقهای حاضر متحیر شدند و در صدد ترک آن مجلس برآمدند و با خود می گفتند که ای کاش امام جواد علیه السلام می آمدند و سؤالات را از ایشان می پرسیدیم. ناگاه دری از سمت صدر مجلس باز شد و امام جواد علیه السلام داخل شدند و نشستند و همه سکوت کردند. هنگامی که صاحب مسأله، سؤالش را پرسید و امام به درستی و به طور کامل پاسخ گفتند، بهت و حیرت همه مجلس را فراگرفت و همه شاد شدند و دعا و ثنا گفتند و به حضرت عرض کردند: «عموی شما مسائل را این چنین پاسخ گفت!» امام با ناراحتی گفتند: «لا اله الا الله»، و رو به عمو کرده، فرمودند «ای عمو! نزد خداوند گناه بزرگی است که فردای قیامت در پیشگاه او بایستی و از تو بپرسد که چرا به آن چه نمی دانستی فتوا دادی، در حالی که در میان امت اعلم از تو وجود دارد؟» جماعت حاضر، در ادامه این مجلس، مسائل بسیاری از حضرت پرسیدند و پاسخ کامل شنیدند و به امامت حضرت یقین پیدا کردند. (مفید: ۱۰۲)

این روایت، گویای آن است که در برهه‌ای حساس که شیعیان به علت شهادت امام رضا علیه السلام و عدم شناخت امام جانشین در سرگردانی به سر می بردند و مدعیان دروغینی نیز در مسند فتوا و پاسخ‌گویی نشسته بودند، امام جواد علیه السلام با حضور به موقع و با غیرت الهی و دینی و با جدیت و عتاب، مسیر گمراهی و انحراف شیعیان را سد کردند و آنان را با شخصیت الهی خویش آشنا ساختند و حجت را بر مردم تمام کردند.

دیگر سخن در این باره آن که امام جواد علیه السلام می کوشیدند تا مردم به محوریت امام معصوم در همه امور جامعه آگاه شوند؛ بدین لحاظ، در پاسخ به پرسش‌های افراد، معمولاً به سخن و سیره امامان پیشین استناد می کردند. برای مثال، هنگامی که یکی از شیعیان به نام ابراهیم بن ولید به حضور امام مشرف شد و پرسش‌هایی داشت، حضرت

در پاسخ، به سخن و رفتار جدش امام صادق علیه السلام و پدر بزرگوارش استناد کردند. هنگامی که وی از امام درباره حلال بودن استفاده از مشک پرسید، امام جواد علیه السلام فرمود:

پدرم دستور داده بود که مشک را در..... برایش تهیه کنند. اما فضل بن سهل ضمن مکتوبی، به پدرم نوشت که مردم این کار را عیب می گیرند! و پدرم در پاسخ وی چنین نوشت: «یوسف لباس دیبای مطلا می پوشید و بر صندلی های طلاکاری شده می نشست و این، چیزی از حکمت او نکاست. سلیمان نیز چنین بود.» پس از آن پدرم دستور دادند که غالیه ای به چهارهزار درهم برایش تهیه کنند.

او سپس پرسید: «دوستان شما در قبال این موالات چه اجری دارند؟» امام فرمودند:

ابوعبدالله جعفر بن محمد علیه السلام غلامی داشتند که مرکب حضرت را هنگام رفتن به مسجد نکه می داشت. تا آن که گروهی از شیعیان از خراسان به مدینه آمدند. یکی از آنان که دارای مال فراوانی بود، به غلام حضرت گفت: «حاضری تمام اموال مرا داشته باشی و در عوض، این خدمت را به من واگذار کنی!» غلام که به پیشنهاد و سوسه انگیزی مواجه شده بود، نزد امام صادق علیه السلام آمده، عرض کرد: «شما به طول خدمت و مصاحبت من آگاهید؛ حال اگر خداوند خیری را متوجه من کرده باشد، موافقت می کنید؟» هنگامی که موضوع را بازگفت، امام صادق علیه السلام فرمودند: «حرفی نیست!» اما هنگامی که غلام قصد رفتن داشت، امام او را فرا خواندند و فرمودند: «به لحاظ این مدتی که در خدمت و مصاحبت ما بودی، نکته ای را می گویم و خودت در انتخاب مسیرت مختاری. بدان که در روز قیامت، پیامبر ﷺ چنگ به نور الهی می زند و امیرمؤمنان علیه السلام به نور پیامبر ﷺ و ما به نور امیرمؤمنان علیه السلام و شیعیان به نور ما چنگ می زنند و داخل می شوند، در همان جایی که ما داخل می شویم.» و پس از این سخنان، غلام گفت: «من بودن در خدمت شما را اختیار می کنم و آخرت را ترجیح می دهم.» (راوندی، ج ۱: ۳۹۲)

از این روایت، علاوه بر استناد امام جواد علیه السلام به سخن و رفتار معصومان پیش از خودش، نکته دیگری استنباط می شود و آن، تبیین عظمت و ارزش تشیع و موالات اهل بیت علیهم السلام است. اگر این گونه روشنگری ها را در فضای مسموم و قرین با دشمنی های بنی عباس و برخی دیگر از بدخواهان، حسودان و مغرضان نسبت به اهل بیت علیهم السلام تصور کنیم، بیش تر به اهمیت آن پی می بریم.

اقامه سنت های حسنه و مقابله با بدعت ها و انحرافات و مجعولات، از دیگر ابعاد

حرکت فرهنگی امام جواد علیه السلام بود. برای مثال، اقامه عزا برای شهادت امام معصوم، از سنت‌هایی است که امام جواد علیه السلام به آن عمل می‌کردند و طبعاً شیعیان نیز از آن پیروی می‌نمودند. هنگامی که امام رضا علیه السلام به شهادت رسیدند، امام جواد علیه السلام به یکی از کنیزان فرمودند: «به بستگان حضرت بگویند که آماده عزاداری شوند.» پس از چند روز، خبر شهادت ایشان به مدینه رسید. (طوسی: ۵۱۶)

در مقابله با منحرفان و جریان‌ات انحرافی نیز از روش‌ها و ابزارهایی بهره می‌جستند که از مهم‌ترین آن‌ها، بیان ماهیت افراد و جریان‌های انحرافی و نیز تطبیق آیات قرآن بر آن‌ها بود. مثلاً آن حضرت، آیه (وجوه یومئذ خاشعه عامله ناصبه) را بر ناصبیان، زیدیان و واقفه که هم‌فکر ناصبیان بودند، تطبیق می‌فرمودند.^۱ تبیین معارف و اثبات انحراف عالم‌نمایان وابسته به دربار عباسی، روش دیگری در این زمینه بود. برای نمونه، می‌توان به جریان معروف اختلاف فقها در دربار معتصم درباره چگونگی قطع دست سارق اشاره کرد. در حالی که هریک از آنان، دیدگاهی متفاوت داشتند، امام جواد علیه السلام به اصرار معتصم، نظر خویش دال بر قطع چهار انگشت دزد را ابراز فرمودند و به آیه (وان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا) استناد فرمودند که موجب شگفتی حاضران از سویی و رسوایی فقهای دروغین درباری از سوی دیگر گردید. (عیاشی، ج ۱: ۳۲۰) در موردی دیگر، آن حضرت خطای فتوای یکی از فقهای عامه به نام ابن شبرمه در یک مسأله را بر ملا کردند. (طوسی، ج ۷: ۲۹۴) نمونه دیگر، پاسخ‌های جالب و کوبنده امام جواد علیه السلام در مجلس مأمون، به روایات جعلی یحیی بن اکثم درباره فضایل خلفاست. (طبرسی، ج ۲: ۲۴۷)

تشویق شیعیان و دیگر مسلمانان به مخالفت عملی با بدعت‌ها و احکام بدعت‌آمیز، شیوه دیگر آن حضرت در مبارزه با انحرافات و منحرفان بود. برای نمونه، آن حضرت در پاسخ یکی از شیعیان که درباره چگونگی انجام دادن حج پرسش داشت، بر انجام دادن حج تمتع تأکید کردند که به نظر می‌رسد برای مخالفت عملی با بدعت تحریم حج تمتع توسط خلیفه دوم بوده است؛ (کلینی، ج ۴: ۳۱۴) چنان‌که در جایی دیگر، حج تمتع را از حج افراد و قرآن افضل می‌دانستند. (کلینی، ج ۲: ۱۵۵)

۱. عن ابن ابي عمير، عن حدثه قال: سألت محمد بن علي الرضا عليه السلام عن هذه الآية «وجوه يومئذ خاشعة عامله ناصبة» قال: نزلت في النصاب والزبدية والواقفة من النصاب. (رجال کشی، ج ۲، ص ۵۹۴).

بهره‌گیری از مثال‌های مناسب و نیز تنظیر و تشبیه احکام به هم، از دیگر شیوه‌های امام جواد علیه السلام در تبیین احکام بود. برای مثال، آن حضرت در پاسخ به یکی از شیعیان درباره سر تفاوت حکم استقلال در حال حرکت و در حال توقف، آن را شبیه تفاوت حکم قضای نماز و روزه در زنان دارای عذر شرعی دانستند.^۱

تأکید بر سلامت فکری و اخلاقی معلم و مربی و استاد، از دیگر محورهای شایان ذکر در سیره فرهنگی امام جواد علیه السلام است. آن حضرت می‌فرمایند:

هرکس به سخن گوینده‌ای گوش فرا دهد، گویا او را عبادت کرده است. بنابراین، اگر فرد، سخن از خدا گوید، خدا را پرستیده و اگر سخن از شیطان گوید، شیطان را پرستیده است. (کلینی، ج ۶: ۴۳۴)

آن حضرت حقایق مکتب را از طرق گوناگون تبیین می‌کردند؛ از جمله: ارتباط رودررو و مشافه‌ای و بهره‌گیری از بیان شیوا و فصیح، مکاتبه، احتجاج و مناظره، تربیت شاگردان و تأکید بر ترویج معارف اهل بیت ع توسط آنان. (عطاردی: ۴۰ و ۱۱۴ و ۴۷ و ۱۷۹)

جلوه دیگر در حیات فرهنگی - علمی امام جواد علیه السلام، استمرار بخشیدن به حرکت اجتماعی - فرهنگی شبکه وکالت است که امامان پیشین از جمله پدر بزرگوارش تحقق بخشیده بودند. امام صادق علیه السلام سازمان وکالت، را پایه‌ریزی کردند. این تشکیلات، نقش بسیار مهمی در جهت‌بخشی و هدایت شیعیان در ابعاد سیاسی، اجتماعی، دینی و فرهنگی داشت. در دوره امامت امام جواد علیه السلام، با توجه به گسترش تدریجی مراکز شیعه‌نشین و افزونی تعداد شیعیان از سویی و کمی سن امام در آغاز امامت از سوی دیگر، اقتضای آن داشت که تشکیلات وکالت گسترش یابد و تقویت شود و بدین لحاظ، امام به این تشکیلات عنایت خاص داشتند.

وظایف وکلا - برخلاف تصور برخی از پژوهش‌گران - به ابعاد مالی منحصر نبود. جمع‌آوری وجوه شرعی و تحویل و انتقال آن‌ها به مراکز استقرار ائمه علیهم السلام و مصرف آن‌ها در موارد مناسب، یکی از وظایف وکلا بود. از دیگر وظایف اصلی وکلا نقش فرهنگی و ارشادی آنان بود. آنان هنگام تحیر شیعیان در امر امامت، پناهگاه مطمئنی برای

۱. و روی عن الحسين بن مسلم عن أبي جعفر الثاني عليه السلام أنه «سئل ما فرق ما بين الفسطاط وبين ظل المحمل، قال: لا ينبغي أن يستظل في المحمل، والفرق بينهما أن المرأة تطمئن في شهر رمضان فتقضي الصيام ولا تقضي الصلاة، قال: صدقت جعلت فداك»

ارشادشان بودند. نمونه مناسب در این باره، همان حکایت مورد اشاره در آغاز این بخش است. پس از شهادت امام رضا علیه السلام که شیعیان درباره جانشینی امام جواد علیه السلام به دلیل کمی سن آن حضرت دچار تردید و تحیر بودند، در بغداد در خانه عبدالرحمان بن حجاج که از زمان امام صادق علیه السلام سابقه وکالت داشت، گرد آمدند و سرانجام به این نتیجه رسیدند که در ایام حج به مدینه بروند و از نزدیک با امام جواد علیه السلام دیدار داشته باشند. و چنان که گذشت، آنان پس از یأس از صلاحیت عبدالله بن موسی و اطمینان به صلاحیت امام جواد علیه السلام برای امامت، با طیب خاطر به بغداد بازگشتند و این، از نقش وکیلی هم چون عبدالرحمان بن الحجاج در هدایت دینی مردم به وقت حیرت حکایت دارد.^۱

۲-۵- سیره اجتماعی - معاشرتی

سیره معاشرتی، از دیگر ابعاد سیره اجتماعی معصومان علیهم السلام است و مراد از آن، چگونگی رفتار معصومان علیهم السلام با افراد جامعه است. امامان معصوم علیهم السلام صرف نظر از سلوک با حاکمیت و جریان های مرتبط (سیره سیاسی) و صرف نظر از سلوکشان با جامعه به لحاظ تلاش های علمی (سیره فرهنگی)، به عنوان شهروندانی که معاشرت روزمره با مردم داشتند، در معاشرتشان، اصولی را رعایت می کردند که بررسی این اصول را باید در بحثی با عنوان «سیره معاشرتی معصومان علیهم السلام» پی گرفت.

توجه به اصل امر به معروف و نهی از منکر، از مهم ترین اصول در سیره معاشرتی اهل بیت علیهم السلام و طبعاً امام جواد علیه السلام است. این اصل را بر دیگر اصول سیره معاشرتی معصومان علیهم السلام می توان مقدم دانست؛ زیرا با رواج این اصل در جامعه، زمینه اجرای دیگر اصول نیز فراهم می شود. در جامعه ای که افراد آن بر اساس عمل به امر به معروف و نهی از منکر، نظارت جمعی را تحقق بخشند، دوری از فساد و کاستی فساد تضمین می شود. امامان معصوم علیهم السلام که در رأس حیات معنوی جامعه قرار دارند، طبعاً در عمل به این اصل نیز در رأس هستند. نمونه جالب توجه در این باره، همان روایتی است که از عتاب امام جواد علیه السلام به عمویش به علت پاسخ نادرست به سؤالات شرعی برخی شیعیان حکایت دارد که پیش تر به آن اشاره شد.

مواسات و هم دردی با محرومان و افراد گرفتار، یکی دیگر از اصول در سیره معاشرتی

۱. برای اطلاع بیش تر درباره سازمان وکالت، نک: سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام اثر نگارنده.

امام جواد علیه السلام بود. این اصل بسیار مهم، در صفات مختلفی تجلی می‌یابد؛ از جمله: مواسات، انفاق، رفع گرفتاری و مشکل دردمندان و گرفتاران و احسان به آنان. امام ضمن تأکید بر دیگرگرایی و خدمت‌رسانی به خلق، ثمره این عمل را علاوه بر اجر اخروی، خوش‌نامی و افتخار نزد مردم می‌دانستند.^۱ آن حضرت به صحابی جلیل‌القدرش ابوهاشم جعفری فرمودند:

بهشت را دری است به نام معروف که جز اهل معروف از آن داخل نمی‌شوند.

ابوهاشم گوید: «با شنیدن سخن امام بسیار شاد شدم و خدا را شکر کردم که به من توفیق رفع نیازها و حوایج مردم را داده است. در این هنگام، امام نگاهی به من کردند و فرمودند:

آری، بر آن چه هستی ثابت‌قدم باش؛ زیرا اهل معروف در دنیا، اهل معروف در آخرتند و ای ابوهاشم، خداوند تو را از آنان قرار دهد و مشمول رحمتش سازد.^۲

و نیز می‌فرمود:

نعمت الهی بر بنده‌ای فزونی نمی‌گیرد، مگر زمانی که نیازهای مردم را متوجه او سازد. اگر - به شکرانه این نعمت - سعی در رفع نیازهای مردم نکند، این نعمت بزرگ را در معرض زوال قرار داده است.^۳

هم‌چنین آن حضرت، کثرت صدقه را موجب جلب رضوان الهی می‌دانستند.^۴ از شواهد شایان ذکر در این باره، جریان ابراهیم بن محمد، وکیل امام در همدان، است. گویا فردی به نام سمیع، برای وی ایجاد مزاحمت و اذیت می‌کرده است. وی پس از آن‌که این موضوع را با امام در میان می‌گذارد، حضرت به او دل‌داری داده، یاری

۱. و قال الجواد علیه السلام: أهل المعروف إلى اصطناعه أحوج من أهل الحاجة إليه لأن لهم أجرة و فخره و ذكره فمهما اصطنع الرجل من معروف فإنما يبدأ فيه بنفسه فلا يطلب شكر ما صنع إلى نفسه من غيره. (كشف الغمة، ج ۳، ص ۹۳۱).

۲. ابوهاشم قال: سمعت أبا محمد يقول إن في الجنة باباً يقال له المعروف لا يدخله إلا أهل بيت المعروف، فحمدت الله تعالى في نفسي و فرحت مما أتكلفه من حوائج الناس فنظر إلى أبو محمد عليه السلام فقال: نعم قد علمت ما أنت عليه و إن أهل المعروف في الدنيا أهل المعروف في الآخرة جعلك الله منهم يا أبا هاشم و رحمك. (مناقب آل أبي طالب، ج ۳، ص ۲۳۵).

۳. و قال الجواد علیه السلام: ما عظمت نعمة الله على أحد إلا عظمت إليه مؤونة الناس، فمن لم يحتمل تلك المؤونة عرّض تلك النعمة للزوال. (الفصول المهمة، ج ۲، ص ۳۵۰).

۴. و قال الجواد علیه السلام: ثلاث يبلغن بالعبد رضوان الله كثرة الاستغفار و خفض الجانب و كثرة الصدقة. (كشف الغمة، ج ۳، ص ۱۴۱).

الهی را بشارت و وعده می‌دهند.^۱

نمونه دیگر، جریان فردی است از بنی حنیفه که ساکن بست و سیستان بود و در سفر حج با امام هم سفر شد. او بر سر سفره غذا به حضرت عرض کرد: «والی ناحیه ما از موالیان شماس است و در دیوان او، خراجی برای من مقرر کرده‌اند. اگر صلاح بدانید، ضمن مکتوبی، سفارشی به او بفرمایید.» امام فرمود: «من او را نمی‌شناسم.» گفت: «چنان‌که عرض کردم، او از دوست‌داران شماس است و نامه شما سودمند خواهد بود.» آن حضرت قلم و کاغذی برداشتند و خطاب به آن والی چنین نوشتند:

اما بعد، رساننده این نامه از مذهب و عقیده تو برای من به نیکویی یاد کرده است. بدان آن‌چه برای تومی ماند، نیکی‌های توست، پس در حق برادرانت نیکی کن و بدان خداوند از تو درباره همه چیز، حتی اگر به سنگینی یک ذره باشد، بازخواست خواهد کرد.

هنگامی که این فرد شیعی به سیستان رفت، والی آن منطقه تا دو فرسخی شهر به استقبالش آمد و چون نامه حضرت را دید، بر چشم نهاد و درخواست آن فرد را پرسید. هنگامی که از آن آگاه شد، نه تنها خراج را به طور کلی از دوش او برداشت، بلکه مقرری نیز برای او و خانواده‌اش تعیین کرد. (کلینی، ج ۵: ۱۱۲)

درباره این روایت دو نکته شایان ذکر است:

نخست آن‌که واسطه شدن حضرت برای رفع خراج از او، با عنایت به فضای سیاسی - اجتماعی عصر بنی عباس توجیه‌پذیر است. با توجه به تضیقات موجود در دوره اموی و عباسی نسبت به شیعیان از سویی و نیز مصرف شدن خراج نواحی در جهت تقویت حکومت ظالمان، پرداختن خراج امری توجیه‌پذیر بوده است.

دوم آن‌که امام با درخواست واسطه‌گری از سوی یک شیعه، با نوشتن نامه، مشکل او را حل می‌کنند. این موضوع، برای شیعیان آن حضرت بسیار آموزنده است؛ زیرا در بسیاری از موارد، گاه با یک حرکت یا سخن کوچک، مشکل مؤمنی حل می‌شود.

بعد مهم دیگر در سیره معاشرتی امام، مقابله با ستم و دفع آن از انسان‌های مظلوم بود. یکی از نمونه‌های جالب در این باره، جریان فرد عابد و باتقوایی است که در مقام

۱. عن إبراهيم بن محمد الهمداني، قال: كتبت إلى أبي جعفر عليه السلام أصف له صنع السبع بي. فكتب بخطه: عجل الله نصرتك ممن ظلمك وكفاك مؤنته، وأبشر بنصر الله عاجلا وبالأجر أجلا، وأكثر من حمد الله. (رجال کشی، ج ۲، ص ۹۶۸).

رأس الحسین علیه السلام در شام به عبادت مشغول بود و طی دو سال پیایی در یک شب، توسط امام جواد علیه السلام با طی الارض، به مسجد کوفه، مسجد النبی علیه السلام و مسجد الحرام برده و سپس به جای اول بازگردانده شد. هنگامی که این شخص، جریان را برای دیگران تعریف کرد، به امر محمد بن عبدالملک زیاد (وزیر معتصم) زندانی گردید. و این وزیر در پاسخ کسی که در آزادی او می‌کوشید گفت: «به آن‌که او را در یک شب به کوفه و مدینه و مکه برده بگویند آزادش کند!» و فردای آن روز، نگهبانان با کمال تعجب دیدند کسی در زندان نیست! همین امر باعث شد آن شخص واسطه که زیدی مذهب بود به امامیه بگردد. (کلینی، ج: ۱، ۴۹۳)

در روایتی دیگر آمده: بعضی از همسایگان آن حضرت، به اتهام دزدیدن گوسفند گم شده‌ای از حضرت، مورد اتهام واقع شدند و آن‌ها را کشان‌کشان نزد ایشان می‌بردند که امام فرمودند: «اینان را آزار ندهید! گوسفند در خانه فلانی است.» لذا به سراغ آن فرد رفتند و با ضرب و جرح او و در حالی که لباسش پاره شده بود و قسم می‌خورد که گوسفند را ندیده، نزد حضرتش آوردند. امام با دیدن این صحنه، فرمودند: «وای بر شما! در حق این فرد ظلم کردید. گوسفند خودش به خانه این مرد رفته بود!» و در حالی که از آن مرد دل جویی می‌کردند مبلغی برای خسارت لباس و جبران مضروب شدن به او دادند. (راوندی، ج: ۱، ۳۷۷)

در نمونه‌ای دیگر، امام برای رفع گرفتاری فردی عیال‌وار که پدرش را از دست داده بود و به دو هزار دینار ارثیه از پدرش دست‌رسی نداشت، دستورالعملی بدین ترتیب دادند که بعد از نماز عشا صدبار بر محمد و آل او صلوات فرستد و به این وسیله، پدرش را در خواب دید و به مکان آن مال آگاه شد. (ابن شهر آشوب، ج: ۳، ۴۹۶)

کمک به درمان درد بیمار ولو از طریق خرق عادت، شیوه دیگر امام در خدمت به افراد بود. در یک مورد، حضرت به طریق خرق عادت، با لمس کردن از روی لباس، ورم زانوی زنی را درمان کردند. (طبری: ۴۰۳)

انفاق و مواسات با افراد، محور مهم دیگر در سیره معاشرتی امام جواد علیه السلام بود. لقب جواد برای آن حضرت، شاهد خوبی بر وجود روح بخشنده در آن حضرت است. ایشان می‌فرمایند:

کسی که به برادری در راه خدا نفع رساند، برای خودش خانه‌ای در بهشت کسب کرده است.^۱

آن حضرت خود به خوبی به این اصل عمل می‌کردند؛ مثلاً فردی از آن حضرت خواست که به اندازه مروتش به او عطا کند و حضرت فرمود: «در توانم نیست!» آن فرد گفت: «به اندازه خودم عطا کن!» و امام فرمود: «اکنون ممکن است»، و به غلامش فرمود تا دویست دینار به او بدهد.^۲ عطا‌های آن حضرت گاه از طرق خارق‌العاده بود. برای نمونه، هنگامی که فردی از تنگی معیشت نزد آن حضرت شکوه کرد، امام سجاده‌شان را کنار زدند و از زیر خاک، شمش طلایی را که شانزده مثقال بود، خارج کردند و به او دادند. (اربلی، ج ۳: ۱۶۰)

از دیگر ویژگی‌های برجسته امام جواد (علیه السلام) در سیره معاشرتی، خوش خلقی و دارا بودن روحیه مؤانست و مرافقت با مردم بود. در روایات معصومان (علیهم السلام)، آلف و مألوف بودن، از لوازم ایمان بر شمرده شده است؛^۳ یعنی افراد مؤمن در معاشرت‌های اجتماعی، علاوه بر آن‌که با دیگران انس و الفت برقرار می‌سازند، به گونه‌ای رفتار می‌کنند که دیگران به راحتی بتوانند به ایشان نزدیک شوند و احساس آرامش و انس و دوستی داشته باشند. این خصلت را در سیره اجتماعی امام جواد (علیه السلام) به خوبی می‌توان یافت.

از نمونه‌های جالبی که برای این موضوع می‌توان مثال آورد، جریان شخصی است به نام خیران خادم قراطیسی. وی در دوره امامت امام جواد (علیه السلام) موفق به سفر حج شد و برای تشریف به محضر امام جواد (علیه السلام) به سیراغ یکی از خادمان آن حضرت رفت و از او خواست که وی را نزد امام ببرد. در مدینه هنگامی که به حضور امام رسید، ابهت و جلالت حضرت، وی را تحت تأثیر قرار داد به گونه‌ای که از غیر مسیر پله‌ها خواست بر سکویی برود که امام روی آن قرار داشتند و امام راه پله‌ها را به او نشان دادند. وی هنگامی که نزد امام رسید، سلام کرد و پاسخ شنید و امام بلافاصله دست مبارکش را به سوی او دراز کردند تا وی احساس آرامش و الفت بیابد. خیران نیز خم شد و دست امام را بوسید و آن را بر چهره‌اش گذاشت. امام او را دعوت به نشستن کردند. او که هنوز غرق

۱. و قال الجواد (علیه السلام) من استفاد أخا فی الله فقد استفاد بیتا فی الجنة. (کشف الغمة، ج ۳، ص ۷۳۱).

۲. و اتاه رجل فقال له اعطني علی قدر مروتک فقال علی قدر قال اما ذا فنعم یا غلام اعطه مائة دینار. (کشف الغمة، ج ۳، ص ۱۶۱).

۳. عن أبي عبد الله (علیه السلام) قال: قال أمير المؤمنين (علیه السلام): المؤمن مألوف ولا خير فيمن لا يألف ولا يؤلف. (کافی، ج ۲، ص ۲۰۱).

در ابهت حضرت بود، دست ایشان را در دستش نگه داشت و امام نیز دستش را در دست او رها کردند تا زمانی که وی آرام گرفت و دست امام را رها ساخت و نشست و امام با وی شروع به سخن و احوال‌پرسی کردند. (کشی، ج ۲: ۸۶۷)

این روایت، گویای یکی از اصول مهم در سیره اجتماعی است و چنان‌که اشاره شد، این اصل در روایات معصومان علیهم السلام از لوازم ایمان شمرده شده است. ما امروزه به طور خاص، نیازمند توجه به این اصول تربیتی در ساحت رفتارهای اجتماعی هستیم. متأسفانه فرهنگ غرب، انسان‌ها را از یک‌دیگر دور کرده و فضای هم‌دلی و مهربانی و الفت را از بین برده است. انسان‌ها در این فضای اجتماعی، بیش‌تر دنبال رفع نیازها و حل مشکلات و گرفتاری‌های روزمره و روزافزون خود هستند و کم‌تر مجال می‌یابند تا با دیگران انس بگیرند. بدین لحاظ، به ارزش و اهمیت اصول تربیتی انعکاس‌یافته در سخن و سیره معصومان علیهم السلام بیش از پیش می‌توان پی برد.

مهربانی و خوش‌خلقی با دیگران، جلوه‌ای دیگر از اصل یاد شده است. امام حُسن خلق را مهم‌ترین بخش از نامه عمل مؤمن می‌دانستند^۱ لذا در عمل به این اصل، در مواجهه شفاهی یا مکتوب با افراد، از واژه‌هایی بهره می‌بردند که حاکی از ادب در رفتارهای اجتماعی بود. برای مثال، در پاسخ به پرسش مکتوب افراد، در آغاز نامه با تعبیر «یرحمک الله» او را مشمول لطف خود قرار می‌دادند و ادب اسلامی - شیعی را نیز ارائه می‌کردند. (کلینی، ج ۳: ۲۸۲ و ج ۴ ص ۵۲۵) در پاسخ آن حضرت به ابراهیم بن محمد همدانی نیز شبیه آن تعبیر دیده می‌شود. امام در حق او دعا فرمودند که خداوند امورش را مطابق خواسته‌اش اصلاح کند. (طوسی، ج ۸: ۵۸)

آن حضرت هم‌چنین به صفت تواضع در روابط اجتماعی بسیار ارزش قائل می‌شدند و آن را زینت حسب می‌دانستند.^۲ نیز تأکید بر زیارت و دید و بازدید میان مؤمنان، از سفارش‌های اخلاقی امام جواد علیه السلام بود. عبدالعظیم حسنی روایتی از آن حضرت بدین

۱. و قال الجواد علیه السلام: ... و عنوان صحيفة المسلم حسن خلقه (الفصول المهمة، ج ۲، ص ۳۵۰).
 ۲. و قال الجواد علیه السلام: العفاف زينة الفقر والشكر زينة الغنى والصبر زينة البلاء و التواضع زينة الحسب و الفصاحة زينة الكلام و العدل زينة الايمان و السكينة زينة العبادة و الحفظ زينة الرواية و خفض الجناح زينة العلم و حسن الادب زينة العقل و بسط الوجه زينة الحلم و الايثار زينة الزهد و بذل المجهود زينة النفس و كثرة البكاء زينة الخوف و التقليل زينة القناعة و ترك المن زينة المعروف و الخشوع زينة الصلاة و ترك مالا يعنى زينة الورع. (كشف الغمة، ج ۳، ص ۴۱).

مضمون نقل می‌کند:

ملاقات برادران ایمانی با یک‌دیگر حتی اگر کوتاه باشد، موجب رشد و تقویت عقل می‌شود.^۱

آن حضرت در عین حال، از هم‌نشینی با افراد شریر و پست نهی می‌کردند و آن را به شمشیر کشیده تشبیه می‌فرمودند که ظاهرش نیکو و اثرش بد است؛^۲ چنان‌که از امید بستن به افراد فاجر نیز نهی کرده، می‌فرمود: «کسی که به افراد فاجر امید ببندد، کم‌ترین عقوبتش حرمان و ناامیدی است».^۳

خیرخواهی و بیان و تذکر عیوب برادران دینی، اصل اخلاقی دیگر در روابط اجتماعی است که امام جواد (علیه السلام) آن را چنین تبیین کرده‌اند:

با تو دشمنی کرده کسی که بیان خیر و صلاح و رشد به تو را به خاطر جلب رضایت از تو دریغ می‌کند.^۴

کرامت و بزرگ‌منشی در قبال درخواست‌های دیگران نیز از دیگر ویژگی‌های امام جواد (علیه السلام) در اخلاق جمعی بود. در سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم السلام) همواره این اصل به چشم می‌خورد که اگر کسی درخواست قابل انجامی از آنان داشت، او را ناامید نمی‌کردند. در حالات امام جواد (علیه السلام) نیز این نکته به چشم می‌خورد. برای نمونه، فردی از آن حضرت درخواست کرد که خمس را بر او حلال کند و امام نیز در پاسخ نوشتند: «اگر کسی در دادن حقی از حقوق من ناتوان است، او در حلیت است».^۵

وفای به عهد، از دیگر ویژگی‌های اخلاقی نیکو و لازم در روابط اجتماعی است که معصومان در سخن و عمل به آن تأکید داشته‌اند. نمونه جالب در این باره، سخن امام به فردی موسوم

۱. عبدالعظیم بن عبدالله الحسینی (علیه السلام) قال: سمعت أبا جعفر محمد بن علی بن موسی (علیه السلام) يقول: ملاقة الإخوان نشرة و تلقیح للعقل و إن كان نزرا قليلا. (شیخ مفید، امالی، ص ۹۲۳).

۲. و قال الجواد (علیه السلام): إياک و مصاحبة الشریر فإنه کالسيف المسلول یحسن منظره، و یقبح أثره. (بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۸۹۱).

۳. و قال الجواد (علیه السلام) من امل فاجرا کان أدنی عقوبته الحرمان. (کشف الغمة، ج ۳، ص ۲۴۱).

۴. قال أبو جعفر محمد بن علی الجواد (علیه السلام): قد عاداک من ستر عنک الرشد اتباعا لما تهواه. (بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۴۶۳).

۵. عن أبي جعفر علی بن مهزیار قال: قرأت فی کتاب لأبی جعفر (علیه السلام) من رجل یسأله ان یجعله فی حل من مأكله و مشربه من الخمس فکتب بخطه: من اعوزه شیء من حقی فهو فی حل. (تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۳۴۱).

به ابوتمامه است. وی به حضرت عرض می‌کند که قصد ملازمت مکه و مدینه را دارد و از سوی دیگر، دینی از کسی بر عهده‌اش است و نظر را جویا می‌شود. حضرت می‌فرماید: برگرد و دینت را ادا کن و مراقب باش که خدا را در حالی ملاقات کنی که دینی بر گردنت نباشد؛ زیرا مؤمن اهل خیانت نیست.^۱

تعزیت مصیبت دیده، ویژگی دیگر در سیره معاشرتی آن حضرت بود. این اصل در ادب اسلامی، نمود خاصی در رفتارهای اجتماعی معصومان علیهم السلام داشته است. امام جواد علیه السلام نامه‌ای به یک فرد فرزند از دست داده نوشتند و رحلت فرزندش را با این بیان تسلیت گفتند: از مصیبت تو در از دست دادن فرزندت علی با خبر شدم و نیز دانستم که او محبوب‌ترین فرزندان بوده است. این چنین، خداوند از پدر و غیر پدر، بالارزش‌ترین کس را می‌گیرد تا اجر مصیبتش بالاتر رود. پس خداوند اجر تو را بزرگ قرار دهد و قلبت را استوار سازد که او تواناست و خداوند به زودی جای او را با فرزند دیگری پر سازد و امیدوارم خداوند چنین کند! (کلینی، ج ۳: ۲۰۵)

تکریم میهمان، اصل دیگری از اصول سیره معاشرتی امام جواد علیه السلام است. قرآن کریم جریان تکریم میهمانان توسط حضرت ابراهیم علیه السلام را به طور جالبی گزارش کرده است. (سوره ذاریات، آیات ۲۴-۲۷) روایات متعددی از سخن و رفتار معصومان علیهم السلام در مورد با آداب میهمان‌داری به ما رسیده است. امام صادق علیه السلام، مکارم برجسته اخلاقی را ده صفت بر شمرده‌اند که یکی از آن‌ها تکریم میهمان است.^۲ پیامبر ص میهمانی دادن را موجب جلب رزق و دفع گناهان می‌زبان دانسته‌اند.^۳

این ویژگی در سیره معاشرتی امام جواد علیه السلام نیز جایگاهی ویژه دارد. در روایتی که پیش از این از تشرف محمد بن ولید کرمانی به محضر امام جواد علیه السلام آوردیم، آمده که

۱. عن أبي تمامة قال: قلت لأبي جعفر الثاني علیه السلام: إني أريد أن أزم مكة أو المدينة و علي دين فما تقول؟ فقال: أرجع فأده إلي مؤدي دينك و انظر أن تلقى الله تعالى و ليس عليك دين، إن المؤمن لا يخون. (كافي، ج ۵، ص ۴۹).

۲. عن الحسين بن عطية عن أبي عبد الله علیه السلام قال: المكارم عشر فان استطعت أن تكون فيك فلتكن فإنها تكون في الرجل و لا تكون في ولده و تكون في الولد و لا تكون في أبيه و تكون في العبد و لا تكون في الحر، قيل: و ما هن؟ قال: صدق اليأس و صدق اللسان و أداء الأمانة و صلة الرحم و إقراء الضيف و إطعام السائل و المكافأة على الصنایع و التذمم للجار و التذمم للصاحب و رأسهن الحياء. (كافي، ج ۲، ص ۶۵).

۳. قال النبي صلی الله علیه و آله: إذا أراد الله بقوم خيرا أهدى إليهم هدية، قالوا: و ما تلك الهدية؟ قال: الضيف ينزل برزقه، و يرتحل بذنوب أهل البيت. (بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۶۴).

وی هنگامی که وارد خانه حضرت شد، یکی از غلامان حضرت با طبقی از غذا و غلامی دیگر با تشت و کوزه آبی نزد محمد آمدند و او را تعارف به خوردن کردند. وی مقداری از آن غذا تناول کرد و چون از خوردن فراغت یافت، امام داخل شدند. ابراهیم به احترام حضرت برخاست و حضرت به او فرمود که بنشیند و به تناول غذا ادامه دهد. ابراهیم مشغول خوردن شد و امام علیه السلام به غلامش فرمودند: «تو هم در خوردن با او همراهی کن تا نشاط خوردن بیابد!» (راوندی، ج ۱: ۳۸۹)

هم چنین فردی به نام ابراهیم بن ابی البلاد پس از تشریف به محضر امام علیه السلام، از حضرت خواست تا اجازه دهد که از جسم حضرت تبرک جوید. امام فرمودند تا برای او کشمش بیاورند و طبقی کشمش حاضر شد. امام با او مشغول صحبت شدند و ابراهیم احساس تشنگی کرده، آب می طلبید. امام فرمودند تا از شربت مخصوصش برای او بیاورند و اظهار کردند که این شربت از خرماهای پیامبر صلی الله علیه و آله تهیه شده است. چون ابراهیم آن را نوشید، از غسل شیرین تر بود. امام چگونگی تهیه آن را بیان فرمودند. ابراهیم گفت: «اهل کوفه این را نمی پسندند. و امام از چگونگی تهیه نبیذ در کوفه سؤال کردند و پس از شنیدن سخن ابراهیم فرمودند: «این نبیذ حرام است» (کلینی، ج ۶: ۴۱۷)

جالب است که وقتی کسی مانند ابراهیم بن ابی البلاد میهمان معصومی هم چون امام جواد علیه السلام می شود، نه تنها اطعام جسمی می گردد، بلکه روح او نیز تغذیه می شود و نوشیدن شربت امام بهانه ای برای آشنایی او با حکم شرعی و حرمت نبیذ می گردد که اهل کوفه از روی نادانی تهیه می کردند. روشن است که این گونه مراودات شیعیان با مراکز استقرار ائمه علیهم السلام، نقش بسیار مهمی در انتقال معارف ناب اهل بیت علیهم السلام به سرزمین های مختلف اسلامی داشته و نه تنها شیعیان، بلکه عموم مسلمانان از افاضات علمی و معرفتی معصومان علیهم السلام بهره مند می شدند و تحریفات و بدعت ها تکذیب می گردید و ابهامات تبیین و مسائل جدید و مستحدثه ابلاغ می شد.

هم چنین فردی به نام محمد بن علی هاشمی صبح گاه شبی که ام الفضل به تزویج حضرت درآمد، به حضور امام رسید. از آن جا که وی شب قبل دارو مصرف کرده بود، عطش داشت. اما بدون آن که لب بگشاید، فرمودند: «گمان می کنم تشنه ای؟» عرض کرد: «بله». حضرت به غلامش فرمود تا آب بیاورد. اندکی بعد، دوباره تشنه اش شد و امام دستور آوردن آب دادند و تبسم کردند. (اربلی، ج ۳: ۱۵۳)

اصل برخورد متناسب با مخالفان، دیگر ویژگی مهم در سیره معاشرتی امام جواد علیه السلام بود. امام در برخورد با مخالفان، از شیوه‌های متنوعی بهره می‌بردند؛ ایشان در کنار رفتارهای انسانی و جذب‌کننده، گاه از برخوردهای هشداردهنده و بیدارکننده نیز استفاده می‌کردند. مثلاً هنگامی که یکی از پیروان مذهب واقفه به حضور امام رسید و سلام کرد، امام پاسخ او را به سردی و فقط در حد «سلام» دادند. آن فرد دوباره سلام کرد و امام به همان شکل پاسخ دادند. آن فرد برای بار سوم سلام کرد، اما این بار با تصریح بر امامت حضرت بود، لذا امام علیه السلام با خوش‌رویی با وی برخورد کردند و وجوه شرعی را از وی پذیرفتند و دوباره به وی باز گردانند و فرمودند: «به آن نیاز پیدا خواهی کرد.» هنگامی که آن فرد بازگشت، با سرقت اموال منزلش مواجه شد! (طوسی: ۵۱۹)

۳-۵- سیره اجتماعی - مدیریتی

بعد مدیریتی، از دیگر ابعاد در سیره اجتماعی معصومان علیهم السلام است. اصول مربوط به سیره مدیریتی، علاوه بر آن‌که در ضمن سیره سیاسی مطرح می‌گردد، در رفتارهای غیرسیاسی نیز تصورشدنی است؛ زیرا امامان معصوم علیهم السلام با وجود عهده نداشتن حکومت، از عصر امام صادق علیه السلام به بعد، عهده‌دار اداره شبکه وکالت شدند که خود مدیریتی دقیق و حساب‌شده را می‌طلبید. امام جواد علیه السلام وارث چنین تشکیلاتی بودند و خود یکی از عوامل گسترش و تقویت و توسعه آن به شمار می‌آمدند. ایشان در این تشکیلات، وکلای مقیم در مناطق مختلف شیعه‌نشین را اداره می‌کردند. به عنوان مدیر، این تشکیلات اصولی همواره عمل می‌کردند از جمله:

- تأکید بر نظم و برنامه مشخص برای وکلا؛
 - احتیاط و نهان‌کاری؛
 - گزینش نیروهای کاردان و با تقوا؛
 - پرهیز از تحریک دشمن و رفتار خلاف تقیه و به خطر انداختن امنیت خود و شیعیان؛
 - اقدامات حساب‌شده برای گسترش عملکرد این تشکیلات.^۱
- تأکید بر اصل مشورت، از دیگر اصول در سیره اجتماعی - مدیریتی آن حضرت است. قرآن نیز این اصل مهم را تأیید می‌کند و پیامبر صلی الله علیه و آله به مشورت کردن در عرصه سیاست

۱. نک: کتاب سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام اثر نگارنده.

و حکومت موظف بودند. به روایت امام جواد علیه السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله در وصایایشان به امام علی علیه السلام بر این اصل تأکید کرده می فرمودند: «کسی که مشورت کند دچار ندامت و پشیمانی نمی شود».^۱

۴-۵- سیره اجتماعی - سیاسی

سیره سیاسی، بعد دیگر در سیره اجتماعی معصومان علیهم السلام است. درباره سیره سیاسی امام جواد علیه السلام، به سه اصل مهم می توان اشاره کرد:

الف، اصل شجاعت سیاسی

نمونه شایان ذکر در این مورد، سفر آن حضرت به بغداد در سن طفولیت و آغاز امامت، ایشان است. هنگامی که مأمون عازم شکار بود آن حضرت کنار کودکانی که مشغول بازی بودند ایستاده بود. با رسیدن موبک مأمون، کودکان پا به فرار گذاشتند اما امام جواد علیه السلام هم چنان بر سر جاییشان ایستاده بودند. مأمون پرسید: «چرا تو هم چون رفقاییت فرار نکردی؟» فرمود: «رفقایم از ترس گریختند و گمان نیک در حق تو آن است که کسی که گناهی ندارد از تو نباید فرار کند و مسیر نیز تنگ نبود که بخواهم راه باز کنم!» در موارد دیگر نیز شاهد رفتارهای شجاعانه آن حضرت هستیم. چنان که گذشت، هنگامی که مأمون برای بدنام کردن امام تعداد دویست کنیز زیبارو را در مسیر ورود حضرت به کاخ گماشت تا با جامی در دست که گوهری در آن ها بود از حضرت استقبال کنند، امام بدون توجه به آنان به حرکتشان ادامه دادند و پس از نشستن در جای خود، با عتاب به فرد نوازنده نهیب زدند. (کلینی، ج ۱: ۴۹۴-۴۹۵)

ب، عدم تحریک دشمنان و پنهان ندادن به دست آنان

یکی از مواردی که می توانست مستمسکی در دست دشمنان بر ضد امام علیه السلام بشود، تبرک جویی شیعیان از آن حضرت بود که در مقابل دیگران نباید انجام می گرفت و امام به این اصل اجتماعی - امنیتی توجه کامل داشتند. فردی به نام عبدالله بن رزین گوید: مدتی در مدینه مجاور بودم. عادت امام جواد علیه السلام آن بود که هر روز ظهر برای نماز و

۱. و کان (محمد بن علی الرضا) یروی مسندا عن آياته إلى علی رضی عنه أنه قال بعثنی رسول الله (ص) إلى الیمن فقال لی و هو یوصینی یا علی ما خاب من استخار ولا ند من استشار یا علی علیک بالدلجة فإن الأرض تطی باللیل ما لا تطی بالنهار یا علی اغد بسم الله فإن الله بارک لأمتی فی بکورها. (وفیات الاعیان، ج ۴، ص ۵۷۱).

زیارت قبر پیامبر ﷺ و بیت فاطمه علیها السلام به مسجد النبی می آمدند. در دل من چنین خطور کرد که هنگام پیاده شدن از مرکب، از خاک زیر پای حضرت برای تبرک بردارم. لذا روزی به همین قصد در انتظار حضرت نشستم، ولی با کمال تعجب دیدم که امام بر روی سنگی فرود آمدند و چند روز به این منوال گذشت. از این رو، تصمیم گرفتم از سنگ ریزه هایی که پس از بیرون آوردن کفش ها در زیر قدم های امام قرار داشت، تبرک جویم. اما با کمال شگفتی تا چند روز امام بدون آن که نعلین را از پا درآورند به زیارت می رفتند! چون در مسجد، امکان تبرک جویی فراهم نشد، با خود گفتم: این کار را هنگام حمام رفتن حضرت انجام می دهم. اما امام هنگام ورود به حمام با مرکب تا در حمام آمده، سپس پا را بر حصیری نهادند به گونه ای که این کار برای صاحب حمام تعجب آور بود. از این رو، خود را ملامت کردم که چرا برای امام طی این چند روز ایجاد مزاحمت کردم. چون از قصد خودم برگشتم، فردای آن روز، امام طبق روال همیشه به مسجد آمدند و به زیارت و نماز رفتند. (کلینی، ج ۱: ۴۹۴)

به نظر می رسد تبرک جویی این فرد به صورت آشکار، در فضای خفقان آلود مدینه موجب بهانه دادن به دست دشمنان و نیز متهم شدن شیعیان به رفتارهای نامعقول و عجیب و چه بسا شرک آلود می شده است لذا امام علیه السلام با بهره گیری از علم الهی، اصلاً زمینه وقوع چنین کاری را منتفی ساختند.

نمونه دیگر در این زمینه، نامه فردی از بنی هاشم به امام است که از حضرت درباره انجام دادن نذرش مبنی بر حضور در یکی از سواحل دریا در کنار مرزداران پرسیده بود. امام در پاسخ او نوشتند:

اگر کسی از مخالفان از نذر تو باخبر شده، برای دوری از عیب جویی آنان این کار را انجام بده، وگرنه آن چه را نذر کرده ای، در کارهای خیر مصرف کن. (طوسی، ج ۶: ۱۲۶)

نمونه دیگر، یکی از شیعیان از حضرت پرسید: «فردی موفق به انجام دادن حج شده و سپس قبر پیامبر ﷺ را زیارت کرده، به دیدار شما نیز نایل می شود، در حالی که عارف به حق شماس و در ادامه، به زیارت جدتان امام حسین علیه السلام و نیز امام کاظم علیه السلام می رود و به دیارش بازمی گردد. در موسم حج سال بعد، آیا به بهتر است حج رود یا به

۱. می توان گفت که کفش امام علیه السلام به گونه ای نبوده که مانع سجده و قرار گرفتن انگشت بر زمین شود. هم چون دمپایی های بند انگشتی که امروزه رایج است. نیز چون امام تا در مسجد، سوار بر مرکب آمدند لذا می توان گفت کفش های حضرت فاقد آلودگی بوده که هتک حرمت مسجد حساب شود.

زیارت پدرتان در خراسان؟» امام فرمودند: «به خراسان برود افضل است و بهتر آن است که در ماه رجب باشد، اما در این ایام (موسم حج) این کار را نکنید؛ زیرا از ناحیه سلطان بر ما و شما عیب جویی می‌شود.^۱

گفتنی است اگر در موردی، عیب جویی مردمان کاملاً بی‌جا و بی‌مورد بود و امکان روشن‌گری نیز وجود داشت، توصیه امام بر بی‌اعتنایی به عیب جویی‌های دیگران بود. برای مثال، امام در پاسخ فردی که درباره استفاده از مشک سؤال کرده بود، به سخن و رفتار پدر بزرگوارش امام رضا علیه السلام استناد کردند که با وجود عیب جویی مردم، دستور دادند مشکی با قیمت بالا تهیه شود و برای اثبات جواز این کار، به نوع زندگی حضرت یوسف علیه السلام استناد کردند که با وجود زندگی در کاخ، از حکمت او چیزی کاسته نشد. (کلینی، ج ۶: ۵۱۶) گویا زندگی امام رضا علیه السلام در کاخ مأمون در مرو، موجب بروز زمینه این عیب جویی‌ها شده بود و امام با این پاسخ، به رفع شبهه اقدام کردند. ضمن آن‌که در مسأله استفاده از عطر، در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله نیز آمده که مبالغ زیادی صرف آن می‌کردند.

ج. دفاع از خود در برابر توطئه و تهمت حاکم و دشمنان

شاهد این مدعا، روایتی است دال بر این‌که معتصم طی یک توطئه، کسانی را اجیر کرد تا بر ضد حضرت شهادت دروغ دهند که قصد خروج بر او را دارد. هنگامی که معتصم حضرت را احضار و متهم به خروج کرد، امام قسم یاد فرمود که چنین قصدی ندارد و چون شاهدان حضور یافتند و شهادت دروغ دادند، امام دست به نفرین برداشتند و به خداوند عرض کردند: «خدایا اگر اینان بر من دروغ بستند آنان را - به غضبت - بگیر!» بلافاصله پس از دعای امام، آب نهری که معتصم و شاهدان در کنار آن بودند، برآمد و متلاطم شد به گونه‌ای که در آستانه غرق شدن واقع شدند. لذا معتصم به امام عرض کرد: «ای فرزند پیامبر! از آن چه گفتم توبه می‌کنم! از خدا بخواه که نهرا را فرو نشاند».

۱. عن محمد بن سلیمان، قال: سألت أبا جعفر علیه السلام عن رجل حج حجة الاسلام فدخل متمتعاً بالعمرة إلى الحج، فاعانه الله على حجه و عمرته، ثم أتى المدينة فسلم على رسول الله صلی الله علیه و آله، ثم اتاك عارفاً بحقك يعلم أنك حجة الله على خلقه وبابه الذي يؤتى منه فسلم عليك، ثم أتى أبا عبد الله الحسين علیه السلام فسلم عليه، ثم أتى بغداد فسلم على أبي الحسن موسى بن جعفر علیه السلام، ثم انصرف إلى بلاده، فلما كان في وقت الحج رزقه الله ما يحج به، فأيهما أفضل، هذا الذي قد حج حجة الاسلام يرجع فيحج أيضاً أو يخرج إلى خراسان إلى أبيك على بن موسى الرضا علیه السلام فيسلم عليه. قال: بل يأتي خراسان فيسلم على أبي الحسن علیه السلام أفضل، وليكن ذلك في رجب ولكن لا ينبغي أن تفعلوا هذا اليوم، فإن علينا وعليكم خوفاً من السلطان و شنة. (كامل الزيارات، ص ۸۰۵).

با دعای حضرت، نهر در برابر دیدگان شگفت زده آنان آرام گرفت. امام چنین دعا کردند: «خدایا آن را آرام کن و تو می دانی که اینان دشمنان تو و دشمنان من هستند!»^۱

اصل دیگر در سیره سیاسی امام جواد علیه السلام هم چون دیگر ائمه علیهم السلام، نهی از اهتمام به جلب رضایت ظالمان و نیز هم کاری با آنان است. این اصل در کلام امام جواد علیه السلام، با این تعبیر انعکاس یافته: «سخط و نارضایتی کسی که راضی به ظلم است، به تو ضرری نمی رساند» و «برای خائن بودن فرد، همین کافی است که امین خائن باشد».^۲ جمله اول، کنایه از آن است که نارضایتی چنین کسانی، ممکن است ضررهای ظاهری داشته باشد، اما در واقع ارزشی ندارد و آن چه باید ملاک نگرانی و عدم آن باشد، رضای الهی است.

نتیجه

مباحث این نوشتار در پنج محور تنظیم شد: سیره معنوی و عبادی، سیره فردی، سیره زیست محیطی، سیره خانوادگی و سیره اجتماعی. سیره اخیر نیز ضمن چهار مبحث توضیح داده شد: سیره فرهنگی، سیره معاشرتی، سیره مدیریتی و سیره سیاسی. اصول استنباط شده از روایات سیره امام جواد علیه السلام در هر بخش به قرار ذیل است:

در بخش سلوک معنوی و عبادی: خدا آگاهی و خداگرایی، دوستی و دشمنی برای خدا، دنیاگریزی، آخرتگرایی و توبه و استغفار، گناهگریزی، رضا، تسلیم، صبر، شکر و اهتمام به عبادت.

در بخش سلوک فردی، ضمن محورهای مربوط به: خواب و استراحت، بهداشت، آراستگی، زینت و آداب سفر، سحرخیزی، اقدامات پیش گیرانه بهداشتی و طبی مانند انجام دادن عمل فصد، شستشوی دست ها پس از صرف غذا، بهره گیری از مواد زینتی

۱. عن ابن أرمه قال: إن المعتصم دعا جماعة من وزرائه وقال: اشهدوا لي على محمد بن علي بن موسى الرضا زورا «و اکتبوا بأنه أراد أن يخرج. ثم دعا فقال: إني أردت أن تخرج علي. فقال: «والله ما فعلت شيئا» من ذلك «قال: إن فلانا و فلانا شهدوا عليك. وأحضروا فقالوا: نعم، هذه الكتب أخذناها من بعض غلمانك. قال: و كان جالسا «فی [بهو] فرفع أبو جعفر علیه السلام يده و قال: «اللهم إني كانوا كذبوا علي فخذهم». قال: فنظرنا إلى ذلك البهو یرجف ویذهب ویجئ، و كلما قام واحد وقع، فقال المعتصم: یا ابن رسول الله، ثبت مما قلت، فادع ربك أن یسكنه. فقال: «اللهم سكنه، و إني تعلم بأنهم أعداؤك و أعدائي». (الثاقب فی المناقب، ص ۵۲۵).

۲. قال الجواد علیه السلام: لا یضرک سخط من رضاه الجور و قال: كفى بالمرء خيانة أن يكون أمينا للخونة. (بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۸۳).

و بهداشتی مانند حنا، استفاده از بوی خوش، انگشتر به دست کردن، پیش‌بینی لوازم سفر و مشکلات و آسیب‌های احتمالی، اتقان در کارها، ترک عجله و شتاب، انجام کار در وقت مناسب، پرهیز از انجام آن قبل از فراهم شدن شرایط، و پرهیز از خوش‌بینی افراطی و اطمینان کاذب به سرانجام کار.

در بخش سیره زیست‌محیطی: آبادانی طبیعت، تلاش برای احیا و حفظ محیط‌زیست و توجه به تغذیه حیوانات.

در بخش سیره خانوادگی: صله‌رحم، رعایت حقوق والدین، تأکید بر توجه به معیارهای درست در گزینش همسر، تأکید بر اندک بودن مهریه و مطابقت آن با مهرالسنة، توجه به بعد معنوی در نوع مهریه، و انتخاب نام نیک برای فرزندان.

در بخش سیره اجتماعی - فرهنگی: تأکید بر سخن گفتن از روی علم، تبیین معارف و حقایق مکتب، اقامه سنت‌های حسنه و مقابله با بدعت‌ها و انحرافات و مجعولات، بیان ماهیت افراد و جریان‌های انحرافی و تطبیق آیات قرآن بر آن‌ها، تبیین معارف و اثبات انحراف عالم‌نمایان وابسته به دربار عباسی، تشویق شیعیان و دیگر مسلمانان به مخالفت عملی با بدعت‌ها و احکام بدعت‌آمیز، تأکید بر سلامت فکری و اخلاقی معلم و مربی و استاد، تبیین حقایق مکتب از طریق ارتباط رودررو و بهره‌گیری از بیان شیوا و فصیح، مکاتبه، احتجاج و مناظره، تربیت شاگردان و تأکید بر ترویج معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) توسط آنان و استمرار بخشی به حرکت اجتماعی - فرهنگی شبکه وکالت.

در بخش سیره اجتماعی - معاشرتی: توجه به اصل امر به معروف و نهی از منکر، مواسات، انفاق، رفع گرفتاری و مشکل دردمندان و گرفتاران و احسان به آنان، مقابله با ستم و دفع آن از انسان‌های مظلوم، خوش‌خلقی و دارا بودن روحیه مؤانست و مراقفت با افراد جامعه، مهربانی و خوش‌خلقی با دیگران، تواضع در روابط اجتماعی، تأکید بر دید و بازدید میان مؤمنان، نهی از هم‌نشینی با افراد بد ذات و پست، خیرخواهی و بیان و تذکر عیوب برادران دینی، کرامت و بزرگ‌منشی در قبال درخواست‌های دیگران، وفاء به عهد، تعزیت مصیبت‌دیده، تکریم میهمان، و برخورد مناسب با مخالفان.

در بخش سیره اجتماعی - سیاسی: شجاعت سیاسی، عدم تحریک دشمنان و بهانه ندادن به دست آنان، بی‌اعتنایی به عیب‌جویی‌های بی‌جای دیگران، دفاع از خود در برابر توطئه و تهمت حاکم و دشمنان و نهی از اهتمام به جلب رضایت ظالمان.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه، تحقیق، صبحی صالح.

ابن خلکان، وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان، تحقیق احسان عباس، بیروت، دارالثقافه، بی تا.

ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه فی معرفه الائمه علیهم السلام، تحقیق سامی الغریری، قم، دارالحديث، ۱۴۲۲ ق.

ابن طاووس، مهج الدعوات، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۱ ق.

ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، تحقیق جواد قیومی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.

ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد، مناقب آل ابی طالب، نجف، حیدریه، ۱۳۷۶ ق.

برقی، احمد بن محمد بن خالد، محاسن، به تحقیق سیدجلال الدین حسینی ارموی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ ق.

جباری، محمدرضا، سازمان وکالت و نقش آن در عصرائمه؟ عهم؟، قم، مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی (ه)، ۱۳۸۲ ش.

جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل، تحقیق مختار غزوی، بیروت، ۱۴۰۹ ق.

حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تحقیق و نشر مؤسسه آل البيت لأحیاء التراث، قم، ۱۴۱۴ ق.

حرّانی، حسن بن علی بن شعبه، تحف العقول، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرّسین، ۱۴۰۴ ق.

شیخ صدوق، توحید، قم، جامعه مدرّسین، ۱۴۱۵ ق.

____، علل الشرایع، نجف، حیدریه، ۱۳۸۵ ق.

____، من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرّسین، بی تا.

____، معانی الاخبار، به تحقیق علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرّسین، ۱۳۷۹ ق.

شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، تحقیق سیدحسن خراسان، تهران، دارالکتب الاسلامیه،

۱۳۶۴ ش.

شیخ مفید، / *اختصاص*، تحقیق علی اکبر غفاری و محمود زرندی، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ ق.

____، / *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، به تحقیق مؤسسه آل البيت؛ بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ ق.

____، / *مالی*، تحقیق حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ ق.

صفار، محمد بن حسن بن فروخ، *بصائر الدرجات*، تهران، اعلمی، ۱۴۰۴ ق.
طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، / *احتجاج*، تحقیق سید محمد باقر خراسان، نجف، دارالانعمان، ۱۳۸۶ ق.

طبرسی، حسن بن فضل، *مکارم الاخلاق*، قم، رضی، ۱۳۹۲ ق.
طبری، محمد بن جریر، *دلائل الامامه*، قم، مؤسسه البعثه، ۱۴۱۳ ق.
طوسی، ابن حمزه، / *الثائب فی المناقب*، تحقیق نبیل رضا علوان، قم، انصاریان، ۱۴۱۲ ق.

عطاردی، عزیز الله، *مسند الامام الجواد علیه السلام*، مشهد، المؤتمر العالمی للامام الرضا علیه السلام، ۱۴۱۰ ق.

عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر عیاشی*، تهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه، بی تا.
کشّی، ابو عمرو محمد بن عمر بن عبدالعزیز، *رجال کشّی*، انتخاب و تلخیص شیخ طوسی با نام «اختیار معرفه الرجال»، قم، بعثت، ۱۴۰۴ ق.

کلینی، محمد بن یعقوب، *کافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ق.

مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.